

Article Type: Research paper

Thematic Analysis of Power Relations in Politicians' Social Media: A Case Study of Donald Trump's Tweets on Iran

***Mohammad Gapleh¹, Jafar Amini koushk²**

1. Ph.D in Media Management, Department of Communication, Journalism and Media, Faculty of Social Sciences, Communication and Media, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

2. B.Sc. in Industrial Engineering, Department of Engineering, Payame Noor University, Tabriz, Iran

Article Info.

Received: 11/6/2025

Accepted: 5/9/2025

Available Online: 11/9/2025

Keywords:

Social media, X (Twitter), Political power, Iran, Donald Trump, Thematic network analysis.

* **Corresponding Author:**

Dr. Mohammad Gapleh

Address: Faculty of Social Sciences, Communication and Media, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

E-mail:

mohammad.gapleh@iau.ac.ir

Abstract

In the age of social media, politicians utilize platforms such as Twitter (now X) to shape public opinion and advance political objectives. This study employs thematic analysis using a thematic network approach to examine power relations in the tweets of Donald Trump, former President of the United States, concerning Iran. The linguistic corpus comprises over 240 tweets published between 2014 and 2021. In total, 27 basic codes were extracted from the tweets, with a cumulative frequency of 678 instances. These codes were organized into 10 basic themes and 5 organizing themes: 1. Projecting U.S. hegemony and directly threatening Iran; 2. Undermining the past to construct present power: the JCPOA and the Obama administration; 3. Applying maximum pressure: sanctions and economic isolation; 4. Delegitimizing the Iranian regime and supporting domestic opposition; and 5. Personalization of power and the display of Trump's individual authority. All themes are situated under one overarching global theme: The representation and exercise of power relations in Trump's tweets about Iran. The findings reveal that Trump's discourse on Twitter regarding Iran is heavily centered on unilateral displays of power, personalization of foreign policy, and a binary portrayal of "us as strong" versus "them as weak." This discourse employs strategies such as threats, sanctions, delegitimization, and leader-centered narratives to establish a hegemonic account of U.S.-Iran relations. The study demonstrates how social media can serve as a powerful arena for the production and representation of complex political power dynamics at the international level.

How to Site:

Gapleh, Mohammad and Amini koushk, Jafar. (2025) Thematic Analysis of Power Relations in Politicians' Social Media: A Case Study of Donald Trump's Tweets on Iran, *Fundamental and Applied Studies of the Islamic World*, 7(2), 298-336.



Authors retain the copyright and full publishing rights.

Published by Iranian Association of Geopolitics. This article is an open access article licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International (CC BY 4.0)

تحلیل مضمون روابط قدرت در رسانه اجتماعی سیاستمداران: مطالعه موردی توئیتهای ترامپ درباره ایران

* محمد گاپله^۱، جعفر امینی کوشک^۲

۱. دکتری مدیریت رسانه، گروه ارتباطات، روزنامه‌نگاری و رسانه، دانشکده علوم اجتماعی، ارتباطات و رسانه، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
۲. کارشناسی مهندسی صنایع، گروه فنی و مهندسی، دانشگاه پیام نور، تبریز، ایران.

اطلاعات مقاله

تاریخ دریافت: ۲۱ خرداد ۱۴۰۴
تاریخ پذیرش: ۱۶ شهریور ۱۴۰۴
تاریخ انتشار: ۲۰ شهریور ۱۴۰۴

چکیده

در عصر رسانه‌های اجتماعی، سیاستمداران از پلتفرم‌هایی نظیر توئیتر (شبکه ایکس) برای شکل‌دهی به افکار عمومی و پیشبرد اهداف سیاسی بهره می‌گیرند. این پژوهش با استفاده از روش تحلیل مضمون با رویکرد شبکه مضامین به بررسی روابط قدرت در توئیتهای دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور پیشین ایالات متحده، درباره ایران می‌پردازد. جامعه‌ی زمانی پژوهش شامل بیش از ۲۴۰ توئیتهای ترامپ است که در بازه ۲۰۱۴ تا ۲۰۲۱ منتشر شده‌اند. در مجموع ۲۷ کد پایه از توئیتهای استخراج شده که تعداد کل تکرار آن‌ها به ۶۷۸ مورد می‌رسد. این کدها در قالب ۱۰ مضمون پایه، ۵ مضمون سازمان‌دهنده: ۱. نمایش هژمونی آمریکا و تهدید مستقیم ایران، ۲. تخریب گذشته برای ساختن قدرت حال: برجام و دولت اوباما، ۳. اعمال فشار حداکثری: تحریم‌ها و انزوای اقتصادی، ۴. مشروعیت‌زدایی از نظام ایران و حمایت از اپوزیسیون داخلی، ۵. شخصی‌سازی قدرت و نمایش اقتدار فردی ترامپ) و یک مضمون فراگیر (بازنمایی و اعمال روابط قدرت در توئیتهای ترامپ درباره ایران) قرار دارند. نتایج نشان می‌دهد گفتمان ترامپ در توئیتر درباره ایران، شدیداً مبتنی بر نمایش قدرت یک‌جانبه، شخصی‌سازی سیاست خارجی، و بازنمایی دوگانه "ما قدرتمند - آنها ضعیف" است. این گفتمان با استفاده از ابزارهایی چون تهدید، تحریم، مشروعیت‌زدایی و روایت‌های شخص‌محور، سعی در تثبیت یک روایت سلطه‌گر از روابط آمریکا و ایران دارد. پژوهش حاضر نشان می‌دهد که رسانه‌های اجتماعی چگونه می‌توانند به بستری مؤثر برای تولید و بازنمایی پیچیده قدرت سیاسی در سطوح بین‌المللی تبدیل شوند.

کلیدواژه‌ها:

شبکه مضامین، رسانه اجتماعی، توئیتر (X)، قدرت سیاسی، دونالد ترامپ، سیاست خارجی، ایران.

* نویسنده مسئول:

دکتر محمد گاپله

نشانی: دانشکده علوم اجتماعی، ارتباطات و رسانه، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

پست الکترونیک:

mohammad.gapleh@iau.ac.ir

استناد به این مقاله:

گاپله، محمد و امینی کوشک، جعفر. (۱۴۰۴) تحلیل مضمون روابط قدرت در رسانه اجتماعی سیاستمداران: مطالعه موردی توئیتهای ترامپ درباره ایران مطالعات بنیادین و کاربردی جهان اسلام، ۷(۲)، ۲۹۸-۳۳۶.

۱. مقدمه

دوران ریاست جمهوری دونالد ترامپ با استفاده متمایز و گسترده او از پلتفرم توئیتر به عنوان ابزار اصلی ارتباطی، به ویژه در حوزه سیاست خارجی، مشخص شد. این رویکرد، هنجارهای دیپلماتیک سنتی را به چالش کشید و فضایی نوین برای تحلیل گفتمان سیاسی رهبران جهان ایجاد کرد. هم‌زمان، روابط ایالات متحده و ایران در این دوره، شاهد تنش‌های فزاینده و پیچیدگی‌های عمیقی بود که بخش قابل توجهی از آن در پیام‌های توئیتری ترامپ بازتاب می‌یافت. درک چگونگی ساخت، مذاکره و نمایش روابط قدرت در عرصه سیاسی دیجیتال، به ویژه توسط رهبران جهانی، از اهمیت فزاینده‌ای برخوردار است.

در دهه گذشته ورود ابزارهای نوین رسانه‌ای همچون توئیتر، وجهه جدیدی به عرصه دیپلماسی و روابط بین‌الملل بخشیده است. بسیاری از پژوهشگران بر این باورند که ترامپ با بهره‌گیری از «توئیپلماسی» قواعد کلاسیک زبان دیپلماسی را زیر پا گذاشته است؛ به طوری که سیمونیاک و کالاندرو^۱ (۲۰۱۹: ۱۵) می‌گویند «ارتباط دیپلماتیک ترامپ در توئیتر الگوهای سنتی زبان دیپلماسی را برهم زده است». هم‌زمان، سبک ارتباطی ترامپ اغلب به عنوان جلوه‌ای از پدیده‌ی پوپولیسم در ارتباطات سیاسی تفسیر شده است. مطالعات متعددی نشان داده‌اند که ویژگی‌هایی همچون استفاده از کلمات ساده، جملات کوتاه و لحن ضد نخبگان در پیام‌های ترامپ، بیانگر گرایش‌های پوپولیستی اوست. (de Vreese et al, 2018: 426). از سوی دیگر، چارچوب نظری فوکو ما را وامی‌دارد قدرت را از خلال گفتمان و دانش بررسی کنیم؛ به عبارت دیگر تحلیل قدرت فوکویی بر روابط قدرت جامعه از خلال زبان و کنش تأکید دارد (Foucault, 1977:27)؛ بنابراین، بررسی مضامین توئیتهای ترامپ درباره ایران باتکیه بر نظریه قدرت فوکو و مفاهیم پوپولیسم و دیپلماسی رسانه‌ای، می‌تواند چشم‌اندازی نوین به چگونگی شکل‌گیری و بازتولید نیروهای قدرت در سیاست بین‌المللی ارائه کند.

دونالد ترامپ از توئیتر نه صرفاً به عنوان یک رسانه، بلکه به عنوان ابزار مرکزی «حکمرانی گفتمانی» خود استفاده می‌کرد. او با بهره‌گیری از منطق پوپولیستی و شخصی‌سازی سیاست، گفتمانی دوقطبی میان «مردم خوب» و «نخبگان فاسد» یا «دشمنان خارجی» شکل داد و از طریق ارتباط مستقیم و بدون واسطه با توده‌ها، نهادهای

1. Šimunjak & Caliandro

رسمی مانند کنگره و رسانه‌ها را دور می‌زد. توییت‌های ترامپ نقش محوری در این شیوه حکمرانی ایفا می‌کردند. (Şahin et al., 2021: 593)

مطالعه مضامین قدرت محور در توییت‌های ترامپ درباره ایران دارای اهمیت نظری و کاربردی قابل توجهی است. برای مثال سیمونیاک و کالاندرو (۲۰۱۹: ۱۸) تأکید کرده‌اند که پیام‌های ترامپ در تویتر الگوهای مرسوم زبان دیپلماسی را برهم زده است. از جنبه کاربردی نیز، پیام‌های او در موضوع ایران تأثیرات قابل ملاحظه‌ای در مناسبات بین‌المللی و افکار عمومی داشته است. برای نمونه، کارشناسان شورای آتلانتیک اشاره کرده‌اند توییت‌های تهدیدآمیز ترامپ نه تنها موجب سیاست‌ورزی تهاجمی‌تر شده، بلکه احساسات ملی‌گرایانه را در ایران تقویت کرده است (Sen, 2018). همچنین، پژوهش‌هایی مانند اسکنفینزا و دوران نشان داده‌اند که تحلیل مضمون شبکه‌ای در فضای تویتر می‌تواند ائتلاف‌های معنایی و ساختارهای پنهان مفهومی را آشکار کند؛ بنابراین، تحلیل نظام‌مند مضمون‌های شبکه‌ای در توییت‌های ترامپ می‌تواند به درک عمیق‌تری از راهبردهای زبانی قدرت در سیاست خارجی آمریکا کمک کند (Sconfienza & Durand, 2023: 198).

مطالعه موردی توییت‌های ترامپ در مورد ایران، فرصتی غنی برای تحلیل این پویایی‌های قدرت فراهم می‌آورد. این پژوهش در پی آن است که با تحلیل مضمون این توییت‌ها، لایه‌های مختلف اعمال و بازنمایی قدرت را در یکی از مناقشه‌برانگیزترین روابط بین‌المللی دوران معاصر آشکار سازد.

• سؤال اصلی: روابط قدرت چگونه در پیام‌های رسانه اجتماعی دونالد ترامپ درباره ایران بازنمایی و اعمال می‌شود؟

• سؤالات فرعی:

▪ ترامپ چگونه قدرت ایالات متحده، قدرت ایران (یا فقدان آن)، و جایگاه خود را به‌عنوان بازیگر جهانی در تقابل با ایران و توافق‌های بین‌المللی (مانند برجام) در توییت‌های خود بازنمایی می‌کند؟

▪ ترامپ از چه راهبردهای گفتمانی (تهدید، تحریم، مذاکره) برای تثبیت، اعمال یا تغییر روابط قدرت با ایران استفاده می‌کند و این ابزارها چه نقشی در تصویرسازی پویایی قدرت ایفا می‌کنند؟

بنابراین، توییت‌های او علیه ایران تنها اعلام مواضع نبودند، بلکه ابزاری برای سیاست‌گذاری و اعمال قدرت بودند که از طریق شکل‌دادن به افکار عمومی، سیاست‌های رسمی مانند «فشار حداکثری» را مشروعیت می‌بخشیدند. تحلیل این توییت‌ها نه فقط به‌عنوان متن، بلکه به‌عنوان کنش‌های قدرت در چارچوب نظریه‌های فوکو و ارتباطات پوپولیستی است.

۲. ادبیات پژوهش

این پژوهش از مفاهیم نظری مرتبط با قدرت، به‌ویژه از منظر گفتمانی، بهره می‌برد. مفاهیم قدرت/دانش، گفتمان و قدرت از میشل فوکو که بر نقش زبان و گفتمان در تولید و حفظ روابط قدرت تأکید دارد، چارچوب مناسبی برای تحلیل چگونگی ساخت واقعیت و اعمال نفوذ از طریق پیام‌های توییتی فراهم می‌کند. همچنین، نظریات روابط بین‌الملل، مانند واقع‌گرایی که بر اهمیت قدرت دولت‌ها در نظام بین‌الملل تأکید دارد، و سازه‌انگاری که به نقش هنجارها و هویت‌ها در شکل‌دهی به روابط قدرت می‌پردازد، به درک زمینه‌های کلان‌تر این پویایی‌ها کمک می‌کنند. در حوزه ارتباطات سیاسی و رسانه‌های اجتماعی، نظریاتی چون برجسته‌سازی رسانه‌ای، دیپلماسی دیجیتال و ارتباطات پوپولیستی، ابزارهای مفهومی لازم برای تحلیل راهبردهای ترامپ در استفاده از توییت را ارائه می‌دهند. «روابط قدرت» در این پژوهش به‌عنوان مجموعه‌ای از تعاملات نامتقارن تعریف می‌شود که در آن یک بازیگر (یا گروهی از بازیگران) توانایی تأثیرگذاری بر رفتار، باورها یا تصمیمات بازیگر دیگر را، از طریق ابزارهای مختلف مادی، نمادین یا گفتمانی، دارا است.

الف) نظریه قدرت فوکو در عصر دیجیتال: میشل فوکو قدرت را نه یک دارایی، بلکه شبکه‌ای از روابط می‌داند که در سراسر جامعه پراکنده است (Foucault, 1998: 63). قدرت از طریق «گفتمان» عمل می‌کند؛ یعنی نظام‌هایی از دانش و باور که مشخص می‌کنند چه چیزی «حقیقت» تلقی شود. توییت‌های ترامپ یک «رژیم حقیقت^۲» خلق می‌کردند که در آن:

۱. قدرت/دانش: «دانش» مربوط به ایران (مثلاً به‌عنوان یک تهدید هسته‌ای یا حامی تروریسم) تولید و تکرار می‌شد تا اعمال «قدرت» (مانند تحریم‌ها) را توجیه کند.

۲. قدرت انضباطی: این گفتمان تنها بر ایران تأثیر نداشت، بلکه مخاطبان داخلی و متحدان

2. Regime of Truth

آمریکارا نیز «منضبط» می‌کرد تا روایت ترامپ را به‌عنوان تنها گزینه منطقی بپذیرند. این همان «تولید سوژه‌های مطیع» است که بدون نیاز به اجبار فیزیکی، خود را با هنجارهای گفتمان مسلط تطبیق می‌دهند (Yoon & Moore, 2024: 2).

۳. فوکو قدرت را نه به‌مثابه دارایی، بلکه به‌عنوان شبکه‌ای از روابط می‌داند که در گفتمان بازتولید می‌شود (Foucault, 1977: 27). در عصر دیجیتال، تویت‌های ترامپ نمونه‌ای از «قدرت اجرا شونده»^۲ است که از طریق بازنشر الگوریتمی به ابزاری برای انقیاد مخاطبان تبدیل می‌شود (Grewal, 2009: 89).

ب) نظریه ارتباطات پوپولیستی و دیپلماسی رسانه‌ای: گفتمان ترامپ نمونه بارز «پوپولیسم متریک»^۳ است. او دائماً به تعداد دنبال‌کنندگان خود، مثلاً «تویت من توسط ۱۰۰ میلیون نفر دیده شد!»^۴ به‌عنوان شاخصی از «حقیقت» و نمایندگی «صدای مردم» استناد می‌کرد (Varis, 2020: 2). این کار به او اجازه می‌داد تا رسانه‌های جریان اصلی را به‌عنوان «اخبار جعلی» و بخشی از یک توطئه بزرگ علیه خود و مردم معرفی کند.

پوپولیسم متریک ترامپ مبتنی بر ساخت دوگانه‌های اخلاقی (خیر/شر) و شخصی‌سازی سیاست است. وی با استفاده از هشتگ‌هایی مانند #فشارحداکثری^۱، گفتمان خود را به «صدای مردم» گره می‌زند، حال آنکه مطالعات (Varis, 2024) نشان می‌دهد تنها ۱۲ درصد از دنبال‌کنندگان او این محتوا را دیده‌اند (p. 78).

هم‌زمان، این رویکرد، دیپلماسی سنتی را به «دیپلماسی تویتتری» تبدیل کرد. دیپلماسی تویتتری عملی برای پیشبرد دیپلماسی عمومی از طریق تویتتر است که به رهبران امکان می‌دهد پیام‌های خود را به‌سرعت و بدون فیلتر به مخاطبان جهانی برسانند (Twitter diplomacy).

3. Performative Power

4. Metric Populism

پوپولیسم متریک به شیوه‌ای از ارتباطات پوپولیستی اشاره دارد که در آن رهبران سیاسی (مانند ترامپ) از معیارهای کمی—مانند آمار تعامل در رسانه‌های اجتماعی (لایک، بازتویت، تعداد دنبال‌کنندگان)، نظرسنجی‌ها، یا آمارهای اغراق‌شده—برای ادعای مشروعیت، نمایش «آزاده مردم» و حمله به مخالفان استفاده می‌کنند. این راهبرد بر سه پایه استوار است:

اقتدار کمی: استفاده از اعداد (مثلاً: تویت من توسط ۱۰۰ میلیون نفر دیده شد!) برای اثبات برتری.

ضدیت با نخبگان: ارائه آمار به عنوان «صدای واقعی مردم» در مقابل «رسانه‌ها/نظرسنجی‌های تحریف‌شده».

تقویت الگوریتمی: سوءاستفاده از الگوریتم‌های پلتفرم‌ها برای نمایش پشتیبانی گسترده (اما اغلب غیرواقعی).

5. My tweet was seen over 100 million people!

6. #MaximumPressure

1. (2025, para. 1). توییت‌های تهدیدآمیز ترامپ، نمونه‌ای از این دیپلماسی قهری بود که برخلاف رویه‌های دیپلماتیک مرسوم، بر نمایش قدرت عریان استوار بود. جالب آنکه، دیپلمات‌های ایرانی نیز در مقطعی تلاش کردند با تقلید از سبک ارتباطی ترامپ، با او وارد تعامل شوند و از زبان خود او برای ارسال پیام استفاده کنند (The Washington Institute, 2025, para. 2).

۳. پیشینه پژوهش

بررسی پیشینه پژوهش‌های داخلی و خارجی مرتبط با موضوع «تحلیل مضمون روابط قدرت در رسانه اجتماعی سیاست‌مداران: مطالعه موردی توییت‌های ترامپ درباره ایران» نشان می‌دهد که فضای تویتر به‌ویژه در دوران ریاست‌جمهوری دونالد ترامپ، به‌مثابه بستری برای بازنمایی قدرت سیاسی و کنش‌گفتمانی، توجه گسترده‌ای از سوی پژوهشگران یافته است. این مطالعات با رویکردهای گوناگون، اما در پی پاسخ به این پرسش بنیادین هستند که چگونه قدرت در قالب زبان و روایت در رسانه اجتماعی بازتولید می‌شود.

در حوزه پژوهش‌های خارجی، مطالعات متعددی با تمرکز مستقیم بر توییت‌های ترامپ درباره ایران انجام شده‌اند. مکی و زاپاوینیا (۲۰۲۱) با بهره‌گیری از چارچوب ارزیابی محور، نشان داده‌اند که ترامپ با استفاده از راهبردهای زبانی نظیر ارزیابی منفی و مبالغه، به خلق نوعی «هم‌راستایی محیطی» در میان مخاطبان خود می‌پردازد؛ مفهومی که دلالت بر شکل‌گیری نوعی پیوند احساسی ضمنی میان گوینده و شنونده از طریق همدلی با مواضع سیاسی دارد. در این پژوهش، ایران به‌عنوان یک «دیگری تهدیدآمیز» به‌گونه‌ای بازنمایی شده که با تقویت حس تعلق گروهی، سیاست‌های ستیزه‌جویانه ترامپ مشروعیت یابد.

همچنین در پژوهش مکی و راس (۲۰۲۱)، ساختارهای دوگانه‌ساز (مثل خود/دیگری) در توییت‌های ترامپ از طریق تحلیل ارزیابی محور (زبان‌شناسی نظام‌مند) مورد بررسی قرار گرفت و نشان داده‌شده است که این دوگانه‌سازی نه‌تنها جنبه‌های ارزشی (مثل خوب/بد) را برجسته می‌سازد، بلکه به تثبیت موقعیت گفتمانی ترامپ به‌عنوان عامل قدرت کمک می‌کند. از سوی دیگر، ژنی (۲۰۲۰) با استفاده از نظریه کنش‌گفتاری، ابعاد هژمونیک زبان ترامپ را در بحران هسته‌ای ایران بررسی کرده و نتیجه می‌گیرد که وی با اتکا به کنش‌هایی چون تهدید، وعده و اتهام، از زبان به‌مثابه ابزاری برای اعمال سلطه بهره می‌گیرد.

جدول ۱. پژوهش‌های پیشین داخلی و خارجی مرتبط با موضوع تحقیق

موضوع پژوهش	نویسنده/سال	روش تحقیق	خلاصه نتیجه‌گیری
تحلیل گفتمان انتقادی توییت‌های ترامپ بر اساس مدل ون‌دایک	کلانتری‌خاندانی، فرخی و غنچه پور (۱۳۹۹)	تحلیل گفتمان انتقادی (مدل ون‌دایک)	ترامپ از راهبردهایی چون تقابل، مبالغه، حذف، دوگانه‌سازی و برجسته‌سازی برای اعمال ایدئولوژی و قدرت در توییت‌ها استفاده کرده است.
تحلیل مضمون توییت های ترامپ درباره برجام به منظور ارائه الگوی دیپلماسی توییتیتر ترامپ	سعیدزاده، گودرزی و تقی پور (۱۴۰۰)	تحلیل مضمون	توییت‌های ترامپ درباره ایران دارای ۶ مضمون غالب شامل تهدید، تحقیر، قانون‌گرایی، خودستایی، اذعان به شکست و ایران‌هراسی است.
تئودیپلماسی؛ نقش توییت‌ها در پیشبرد دیپلماسی رسانه‌ای ترامپ	قربانی شیخ نشین، منوری، کریمی و فلاح (۱۴۰۰)	تحلیل گفتمان + تحلیل محتوا	زبان دیپلماتیک ترامپ در توییت‌ها خصمانه، غیرمودبانه و تهدیدآمیز است و نشان‌دهنده استفاده سیاسی خاص از رسانه اجتماعی است.
غریبه‌سازی و همبستگی محیطی در توییت‌های دونالد ترامپ درباره ایران	Makki & Zappavigna (2021)	تحلیل زبان‌شناختی (چارچوب ارزیابی)	ترامپ با استفاده از زبان ارزیابی و مبالغه، «هم‌راستایی محیطی» ایجاد کرده و ایران را به صورت منفی بازنمایی می‌کند.
مطالعه‌ای مبتنی بر نظریه ارزیابی از دوقطبی‌ها در توییت‌های ترامپ درباره ایران	Makki & Ross (2021)	تحلیل ارزیابی (زبان‌شناسی نظام‌مند)	بازنمایی دوگانه ایران در توییت‌های ترامپ: در بیشتر موارد منفی، اما گاه به صورت تمسخرآمیز مثبت.
گفتمان هژمونیک ترامپ درباره مسئله هسته‌ای ایران: تحلیلی بر پایه نظریه کنش گفتاری	(Zheni 2020)	تحلیل عمل‌گفتاری Speech Act (Theory)	توییت‌های ترامپ از منظر کنش‌های گفتاری، حامل سلطه و هژمونی هستند؛ او از تهدید و وعده برای اعمال قدرت بهره می‌برد.
دیپلماسی توییتیتر و سیاست خارجی ترامپ در قبال ایران	(Orhan 2022)	تحلیل محتوای کیفی	ترامپ از توییت‌ها برای سیاست خارجی، تهدید و ارسال پیام‌های دیپلماتیک درباره ایران بهره می‌برد.

پژوهش اورهان (۲۰۲۲) نیز از زاویه‌ای کارکردگرایانه‌تر، به تحلیل نقش توییتر در سیاست خارجی ترامپ در قبال ایران پرداخته و نشان می‌دهد که چگونه رئیس‌جمهور آمریکا از توییتر به منزله ابزاری رسمی برای ارسال پیام‌های دیپلماتیک، تهدید نظامی، و اعمال فشار روانی بهره برده است. این مطالعه بر تمایز توییتر با کانال‌های دیپلماتیک سنتی تأکید دارد و بر اهمیت رسانه اجتماعی در بازتعریف روابط قدرت در سیاست خارجی تأکید می‌گذارد.

در حوزه پژوهش‌های داخلی، تلاش‌هایی ارزشمند برای تحلیل زبان، ایدئولوژی و راهبردهای گفتمانی ترامپ در توییتر صورت گرفته است. کلانتری خاندانی، فرخی و غنچه پور (۱۳۹۹) با بهره‌گیری از مدل ون‌دایک، به تحلیل گفتمان انتقادی توییت‌های ترامپ پرداخته و نشان داده‌اند که وی از راهبردهایی چون تقابل، حذف، دوگانه‌سازی و برجسته‌سازی بهره می‌گیرد تا با تقویت ذهنیت مخاطب، سیاست‌های تقابلی خود را مشروع جلوه دهد. آن‌ها با تحلیل ساختارهای زبانی سلطه‌محور، نشان می‌دهند که بازنمایی رسانه‌ای ترامپ از ایران، بر مبنای تقویت گفتمان خودبرترپندارانه و تضعیف تصویر «دیگری» صورت می‌گیرد.

در پژوهش سعیدزاده، گودرزی و تقی پور (۱۴۰۰)، با استفاده از روش تحلیل مضمون، شش مضمون کلیدی در توییت‌های ترامپ درباره برجام شناسایی شده‌اند: تهدید، تحقیر، قانون‌گرایی، خودستایی، اذعان به شکست، و ایران‌هراسی. این طبقه‌بندی مفهومی، تصویری چندلایه از کارکرد نمادین توییت‌ها در بازنمایی قدرت سیاسی و دیپلماسی رسانه‌ای ارائه می‌دهد. آن‌ها با تحلیل مفهومی مضمون‌ها، پیوند میان گفتمان رسانه‌ای و راهبردهای سیاست خارجی ترامپ را برجسته می‌سازند.

قربانی شیخ‌نشین و همکاران (۱۴۰۰) نیز در قالب مفهوم «تئودیپلماسی»، نشان داده‌اند که توییتر در دوران ترامپ به یک ابزار رسمی سیاست خارجی تبدیل شده است. آنان با تحلیل محتوایی توییت‌های ترامپ، به این نتیجه رسیده‌اند که لحن غالب در این توییت‌ها خصمانه، تحقیرآمیز و برخلاف هنجارهای دیپلماسی سنتی بوده و به مثابه ابزاری برای مشروعیت‌بخشی به قدرت از مسیر رسانه‌ای عمل می‌کرده است.

در یک تحلیل انتقادی، می‌توان گفت که اگرچه هر یک از این پژوهش‌ها به طور جداگانه سهم قابل توجهی در شناخت ابعاد گفتمانی و معنایی توییت‌های ترامپ درباره ایران

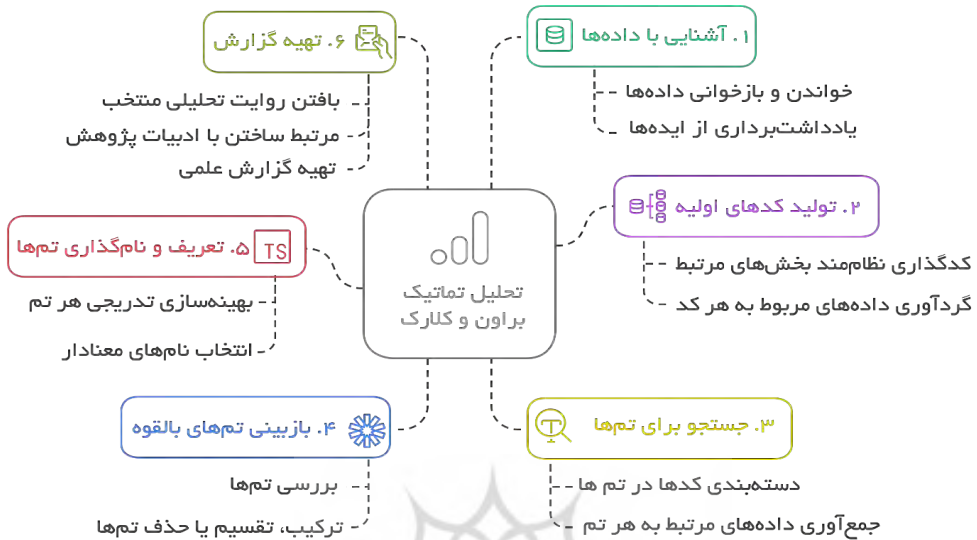
دارند، اما همچنان خلأهایی نیز مشاهده می‌شود. نخست، تمرکز بسیاری از پژوهش‌ها بر تحلیل زبانی صرف، بدون پیوند مؤثر با نظریه‌های قدرت اجتماعی (مانند فوکو) باعث شده تا تحلیل‌ها در سطح ساختارهای زبانی باقی بمانند. دوم، تحلیل‌های مضمون‌محور داخلی اغلب فاقد پیوند روشمند با گفتمان‌شناسی انتقادی و تحلیل قدرت در بستر رسانه‌های دیجیتال‌اند. سوم، در بخش قابل توجهی از پژوهش‌ها - به‌ویژه در مطالعات داخلی - جنبه کارکردی و رسانه‌شناختی توپیتر نادیده گرفته شده است.

از این رو، پژوهش حاضر با ترکیب تحلیل مضمون کیفی با رویکرد نظری انتقادی نسبت به قدرت (با الهام از فوکو) و تمرکز منسجم بر بازنمایی ایران در توپیت‌های ترامپ، می‌کوشد تا فراتر از تحلیل صرف محتوای زبانی، به تبیین سازوکارهای بازتولید قدرت در بستر شبکه‌های اجتماعی بپردازد. این رویکرد تلفیقی می‌تواند شکاف میان مطالعات زبان‌محور و قدرت‌محور را پوشش داده و سهمی نظری در ادبیات گفتمان سیاسی دیجیتال ایفا کند.

۴. روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش از روش تحلیل محتوای کیفی و به‌طور مشخص رویکرد تحلیل مضمون شبکه‌ای براون و کلارک (۲۰۰۶) کوشیده است ساختار روابط قدرت در توپیت‌های ترامپ را آشکار سازد. این رویکرد شامل شش مرحله نظام‌مند است که به پژوهشگر امکان می‌دهد الگوهای معنایی (مضامین) را در مجموعه داده‌های کیفی شناسایی، تحلیل و گزارش کند. این شش مرحله، که در بخش‌های بعدی به تفصیل شرح داده خواهند شد، عبارتند از: آشنایی با داده‌ها، کدگذاری اولیه، جستجو و شناسایی مضامین، ترسیم شبکه مضامین، تحلیل شبکه مضامین، و تدوین گزارش نهایی.

پژوهش حاضر در بخش‌های بعدی به تفصیل مراحل اجرای تحلیل مضمون را بر روی مجموعه توپیت‌های دونالد ترامپ درباره ایران تشریح خواهد کرد. ابتدا، فرآیند آشنایی با داده‌ها و کدگذاری اولیه ارائه می‌شود. سپس، چگونگی شناسایی و پالایش مضامین و ترسیم شبکه مضامین توضیح داده خواهد شد. در ادامه، شبکه مضامین به تفصیل تحلیل و تفسیر می‌شود. در نهایت، پژوهش با ارائه یافته‌های کلیدی، پاسخ به سؤالات پژوهش و نتیجه‌گیری و پیشنهاداتی برای پژوهش‌های آتی به پایان می‌رسد.



شکل ۱. مراحل انجام روش تحقیق تحلیل تماتیک (منبع: براون و کلارک: ۲۰۰۶: ۸۷)

روش جمع‌آوری داده‌های تحقیق:

در این تحقیق از یک خزش‌گر^۷ موضوعی با استفاده از زبان برنامه‌نویسی پایتون^۸ جهت احصاء تمامی پیام‌های توییتی رئیس‌جمهور دونالد ترامپ در بازه ۲۰۱۴-۲۰۲۱ با کلیدواژه «ایران» استفاده شده است. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

در این زبان برنامه‌نویسی از کتابخانه سلنیوم جهت خزش و برای انتخاب‌کردن متادیتاها از انتخاب‌گرهای XML و CSS با تسلط به HTML و JSON بهره گرفته شده است.

اعتبار و کیفیت پژوهش:

این گزارش تلاش کرده است تا با رعایت اصول روش‌شناختی تحلیل مضمون شبکه‌ای و با استناد به داده‌های واقعی از توییت‌های دونالد ترامپ، تحلیلی علمی و تخصصی از چگونگی بازنمایی و اعمال روابط قدرت در این پیام‌ها ارائه دهد. تمامی مراحل، از آشنایی با داده‌ها

7. Crawler

8. Python

تا تحلیل شبکه مضامین، به تفصیل شرح داده شده و یافته‌ها با ذکر نمونه‌های مشخص از متن پشتیبانی شده‌اند. ساختار گزارش به گونه‌ای طراحی شده است که خواننده بتواند فرآیند پژوهش و نتایج حاصل از آن را به روشنی دنبال کند.

مرحله اول: آشنایی با داده‌ها

داده‌های این پژوهش شامل مجموعه‌ای از توییت‌های دونالد ترامپ در مورد ایران است که در قالب ۲۴۰ توییت گردآوری، ترجمه، پیاده‌سازی و ارائه شده است. تمرکز این مرحله بر آماده‌سازی داده‌ها برای تحلیل است، که شامل اطمینان از کامل بودن مجموعه، درک زمینه با توییت‌ها یا منشن‌ها و هرگونه یادداشت‌برداری اولیه برای تسهیل فرآیند تحلیل بعدی است. تمامی توییت‌های ارائه شده خط به خط مورد بررسی قرار گرفته است.

مرحله دوم: کدگذاری اولیه

در مرحله کدگذاری اولیه، مجموعه داده‌ها به صورت نظام‌مند و خط‌به‌خط (یا توییت به توییت) مورد بررسی قرار گرفت. در این فرآیند، بخش‌هایی از متن که حاوی ویژگی‌های معنادار و مرتبط با سؤال پژوهش بودند، با برچسب‌هایی (کدها) مشخص شدند. تمرکز کدگذاری تنها بر محتوای صریح نبود، بلکه جنبه‌های پنهان‌تری مانند لحن، قدرت ضمنی و معانی بین سطری نیز در نظر گرفته شد. هدف اصلی این مرحله، شناسایی تمامی اشارات مستقیم یا ضمنی به مفاهیمی چون سلطه، تسلیم، مذاکره، تهدید، نفوذ، اقتدار، مقاومت، انتقاد از قدرت دیگران، یا تأکید بر قدرت خود در گفتمان ترامپ بود.

هر توییت به عنوان یک واحد تحلیلی در نظر گرفته شد، اما در مواقعی که توییت شامل چندین گزاره یا ایده مستقل مرتبط با ایران و روابط قدرت بود به بخش‌های کوچک‌تری (مانند عبارات یا بندهای جداگانه) تفکیک شد تا کدگذاری با دقت بیشتری انجام شود.

کدگذاری به صورت جامع و فراگیر انجام شد، به گونه‌ای که هیچ بخش معناداری از داده‌ها که می‌توانست در تبیین روابط قدرت در گفتمان ترامپ در مورد ایران مؤثر باشد، نادیده نماند. کدهایی که به مفاهیم ذکر شده اشاره داشتند، ثبت شدند تا تصویری کامل‌تر از ساختار معنایی توییت‌ها به دست آید.

در ادامه، فهرستی از کدهای اولیه استخراج و به صورت تدریجی توسعه داده شد. این فهرست

با تکرار فرآیند کدگذاری بازبینی و اصلاح شد، به گونه‌ای که کدهای جدید افزوده، یا کدهای قبلی ادغام، تفکیک یا بازتعریف شدند. نهایتاً، جدولی شامل این کدها به همراه تعریف، تعداد تکرار و مثال‌هایی از داده‌ها تهیه شد. این جدول شماره ۲، شفافیت تحلیل و مراحل اولیه ساخت مضامین را نشان می‌دهد. هرچند تعداد تکرار به‌تنهایی معیار کیفیت نیست، اما شاخصی از میزان برجستگی یک کد در کل داده‌ها به شمار می‌رود.

جدول ۲. فهرست جامع کدهای اولیه استخراج شده از توییت‌های ترامپ درباره ایران

نام کد (Code Name)	تعریف / توضیح کد (Code Definition / Explanation)	تعداد تکرار (Frequency) (cy Count)	مثال از داده‌ها (Example from Data)
تهدید مستقیم ایران	اظهارات صریح مبنی بر هشدار به ایران در مورد عواقب شدید برای اقدامات خاص.	۳۲	”اگر ایران بخواهد وارد جنگ شود، این پایان رسمی ایران خواهد بود. هرگز دوباره ایالات متحده را تهدید نکنید!“؛ ”اگر این اتفاق بیفتد، ایران بهای بسیار سنگینی خواهد پرداخت!“؛ ”ایران اشتباه بسیار بزرگی مرتکب شد!“
انتقاد از توافق هسته‌ای (برجام)	توصیفات منفی از برنامه جامع اقدام مشترک (JCPOA) ^۹ و چارچوب آن.	۵۸	”باورکردنی نیست که ما می‌خواهیم چنین توافقی با ایران انجام دهیم.“؛ ”... توافق وحشتناک هسته‌ای ایران بود—توافقی که من آن را خاتمه دادم...“؛ ”توافق با ایران به‌عنوان یکی از ناکارآمدترین توافقی‌های تاریخ ثبت خواهد شد.“
تحقیر دولت اوباما/کری	اظهاراتی که دولت پیشین یا مقامات آن (به‌ویژه جان کری) را در تعاملاتشان با ایران ضعیف، بی‌کفایت یا مضر نشان می‌دهد.	۳۵	”ایران در حال بازی با آتش است—آن‌ها قدر «مهربانی» رئیس‌جمهور اوباما را نمی‌دانند. اما من نه!“؛ ”می‌بینم که جان کری، معمار توافق هسته‌ای ایران که اکنون لغو شده، در فکر نامزدی برای ریاست‌جمهوری است.“؛ ”فضاوت فاجعه‌بار اوباما ما را به داعش، رشد ایران و بدترین شاخص‌های اقتصادی از زمان رکود بزرگ رساند!“

9. Joint Comprehensive Plan of Action

مثال از داده‌ها (Example from Data)	تعداد تکرار Frequen-) (cy Count)	تعریف / توضیح کد Code Definition /) (Explanation)	نام کد (Code Name)
<p>”ارتش ما بازسازی شده، نو، و آماده است—بهترین ارتش جهان است.“؛ ”من به وزیر خزانه‌داری دستور دادم تحریم‌ها علیه ایران را به طور قابل توجهی افزایش دهم!“؛ ”ایالات متحده دیگر هیچ تهدیدی را نمی‌پذیرد!“</p>	۴۵	تأکید بر برتری نظامی، اقتصادی یا اخلاقی ایالات متحده.	نمایش قدرت آمریکا
<p>”رهبری آن‌ها تمام پول خود را صرف ترور می‌کند و بودجه اندکی را به سایر امور اختصاص می‌دهد.“؛ ”فقط دروغ و تبلیغات بیشتر... از سوی رژیم‌های مذهبی که شدیداً در حال فروپاشی است و هیچ ایده‌ای برای اداره کشور ندارد.“؛ ”رژیم ایران تنها #۴۰ سال شکست به بار آورده است.“</p>	۳۸	تصویرسازی دولت ایران به عنوان فاسد، سرکوبگر، یا حامی تروریسم.	مشروعیت‌زدایی از رهبری ایران
<p>”... مردم فوق‌العاده ایران در حال رنج کشیدن هستند، آن هم بی هیچ دلیلی.“؛ ”خطاب به مردم شجاع و رنج‌دیده ایران: من از ابتدای ریاست جمهوری‌ام در کنار شما بوده‌ام...“؛ ”مردم شریف ایران—که آمریکا را دوست دارند—شایسته حکومتی هستند که بیشتر علاقه‌مند به کمک به تحقق رؤیاهایشان باشد“</p>	۱۵	ابراز حمایت یا همدردی با شهروندان ایرانی که اغلب در تقابل با دولت آن‌ها قرار می‌گیرند.	همبستگی با مردم ایران
<p>”ایران در حال بازی با آتش است—آن‌ها قدر «مهربانی» رئیس‌جمهور او با ما را نمی‌دانند. اما من نه!“؛ ”منتظر نمانید تا پس از انتخابات آمریکا توافق بزرگی انجام دهید. من برنده خواهم شد. حالا توافق بهتری خواهید گرفت!“؛ ”من از توافق فاجعه‌بار هسته‌ای ایران خارج شدم“</p>	۳۰	نسبت دادن نتایج موفقیت‌آمیز یا مواضع قوی به دخالت یا ویژگی‌های شخصی خود.	شخصی‌سازی قدرت (ترامپ)

نام کد (Code Name)	تعریف / توضیح کد Code Definition / (Explanation)	تعداد تکرار Frequen- (cy Count)	مثال از داده‌ها (Example from Data)
استفاده از تحریم‌ها به‌عنوان اهرم قدرت	اشاره به تحریم‌ها به‌عنوان ابزاری برای فشار یا مجازات ایران.	۴۲	”تحریم‌ها را دو برابر کنید!“؛ ”تحریم‌ها اثر کرده‌اند و دیشب بیشتر هم شدند.“؛ ”من به وزیر خزانه‌داری دستور دادم تحریم‌ها علیه ایران را به طور قابل توجهی افزایش دهم!“
هشدار به ایران	بیان اخطارها و تذکرات به ایران در مورد رفتار یا اقدامات آینده.	۲۵	”مراقب تهدیدها باشید، ایران. ممکن است این تهدیدها به شکلی بی سابقه علیه‌تان بازگردد!“؛ ”... یک توصیه دوستانه سلامتی برای ایران: اگر حتی یک آمریکایی کشته شود، من ایران را مسئول می‌دانم. خوب فکر کنید.“
ادعای فریبکاری ایران	متهم کردن ایران به فریبکاری، دروغ‌گویی یا نقض تعهدات.	۱۸	”گزارش ربودن جاسوسان CIA توسط ایران کاملاً جعلی است. هیچ حقیقتی ندارد. فقط دروغ و تبلیغات بیشتر...“؛ ”ایران توافق هسته‌ای ۱۵۰ میلیارد دلاری... را... خیلی پیش‌تر از ریاست جمهوری من نقض کرده بود“
لغو/پایان دادن به توافق به‌عنوان نمایش قدرت	چارچوب‌بندی خروج از برجام به‌عنوان اقدامی قاطع و نشانه‌ای از قدرت.	۱۶	”... باب کورکر مسئول ارائه آن توافق وحشتناک هسته‌ای ایران بود—توافقی که من آن را خاتمه دادم...“؛ ”من از توافق فاجعه‌بار هسته‌ای ایران خارج شدم“
تأکید بر حمایت ایران از تروریسم	برجسته‌کردن نقش ایران به‌عنوان حامی دولتی تروریسم.	۱۴	”رهبری آن‌ها تمام پول خود را صرف ترور می‌کنند...“؛ ”بزرگ‌ترین حامی دولتی تروریسم در جهان...“؛ ”درخواست ما از ایران بسیار ساده است: نه سلاح هسته‌ای، و نه حمایت بیشتر از تروریسم!“

نام کد (Code Name)	تعریف / توضیح کد Code Definition / (Explanation)	تعداد تکرار Frequen- (cy Count)	مثال از داده‌ها (Example from Data)
انتقاد از نفوذ منطقه‌ای ایران	ابراز نگرانی یا محکومیت فعالیت‌ها و نفوذ ایران در خاورمیانه.	۱۷	”مردم عراق نمی‌خواهند تحت سلطه و کنترل ایران باشند...“؛ ”ایران به سرعت در حال تسلط بیشتر بر عراق است...“؛ ”ایران، با تمام پول و چیزهای دیگری که اوباما به آن‌ها داد، مدت‌هاست در فکر تسلط بر عربستان سعودی و نفت آن است.“
دعوت ایران به مذاکره (مشروط)	پیشنهاد مذاکره به ایران، اما اغلب با پیش شرط‌ها یا از موضع قدرت.	۱۲	”ایران زمانی تماس خواهد گرفت که و اگر واقعاً آماده باشد.“؛ ”مطمئنم که ایران به‌زودی خواهان مذاکره خواهد شد.“؛ ”وزیر امور خارجه ایران می‌گوید ایران می‌خواهد با ایالات متحده مذاکره کند، اما می‌خواهد تحریم‌ها لغو شود. نه، متشکرم!“
بی‌ثباتی داخلی ایران	اشاره به مشکلات داخلی، اعتراضات یا بی‌ثباتی اقتصادی و سیاسی در ایران.	۱۹	”ایران به قدری بی‌ثبات شده است که رژیم تمام سیستم اینترنتی‌اش را قطع کرده...“؛ ”اقتصاد آن‌ها مرده است و بدتر هم خواهد شد. ایران یک اقتضاح تمام‌عیار است!“؛ ”ایران با بحران مالی جدی روبه‌روست.“
مقایسه خود با دیگران (اوباما، کری، دیگر رهبران)	قراردادن خود در موقعیتی برتر نسبت به دیگران در مدیریت مسئله ایران.	۲۲	”آن‌ها قدر «مهربانی» رئیس‌جمهور اوباما را نمی‌دانند. اما من نه!“؛ ”ایران به نظر می‌رسد دارد با جان کری در مذاکرات هسته‌ای بازی می‌کند-او برای حفظ ظاهرش التماس توافق می‌کند. مذاکره اصلاً کار او نیست!“
تأکید بر عدم دستیابی ایران به سلاح هسته‌ای	بیان مکرر این موضع که ایران هرگز نباید به سلاح هسته‌ای دست یابد.	۱۵	”ایران هرگز نباید به سلاح هسته‌ای دست یابد-نه علیه آمریکا، نه علیه جهان!“؛ ”ایران در حال تلاش برای توسعه سلاح‌های هسته‌ای است.“

نام کد (Code Name)	تعریف / توضیح کد Code Definition / (Explanation)	تعداد تکرار Frequen- (cy Count)	مثال از داده‌ها (Example from Data)
انتقاد از رسانه‌های جعلی (در مورد ایران)	متهم کردن رسانه‌ها به انتشار اخبار نادرست یا مغرضانه در مورد ایران و سیاست‌های آمریکا.	۷	”رسانه‌های جعلی با پوشش دروغین و به شدت نادرست از ایران به کشور ما آسیب می‌زنند.“؛ ”رسانه‌های جعلی بیانیه‌ای کاملاً غلط منتشر کردند... این گزارش جعلی است...“
مسئول دانستن ایران برای حملات	نسبت دادن مسئولیت حملات یا اقدامات خصمانه به ایران یا نیروهای نیابتی اش.	۱۱	”بر اساس اطلاعات و باور موجود، ایران یا نیروهای نیابتی اش در حال برنامه‌ریزی برای حمله‌ای غافلگیرکننده به نیروها و / یا دارایی‌های آمریکا در عراق هستند.“؛ ” «برآورد دولت آمریکا این است که ایران مسئول حملات امروز در خلیج عمان است...»“
استفاده از زبان قاطع و آمرانه	به‌کاربردن لحن و واژگانی که نشان‌دهنده قطعیت، دستور و عدم تحمل مخالفت است.	۳۳	”هرگز دوباره ایالات متحده را تهدید نکنید! “؛ ”تحریم‌ها را دوبرابر کنید!“؛ ”کشتار مردم بزرگ ایران را متوقف کنید!“
اشاره به کشتن مقامات ایرانی / دشمنان	ذکر کشته شدن افرادی مانند سلیمانی یا البغدادی به‌عنوان دستاورد و نمایش قدرت.	۴	”البغدادی و سلیمانی کشته شدند.“؛ ”ایران با گستاخی زیاد در حال صحبت درباره هدف قراردادن دارایی‌های خاص ایالات متحده است، به‌عنوان انتقام برای حذف رهبر تروریست‌شان...“
نقض حقوق بشر توسط ایران	محکوم کردن ایران به دلیل نقض حقوق بشر، سرکوب معترضان و قطع اینترنت.	۱۰	”هزاران نفر از مردم شما تاکنون کشته یا زندانی شده‌اند و جهان در حال تماشاست.“؛ ”اینترنت خود را دوباره روشن کنید و اجازه دهید خبرنگاران آزادانه کار کنند!“؛ ”ایران، شماره یک در فهرست کشورهای حامی تروریسم که نقض‌های متعدد حقوق بشر در آن به‌صورت ساعتی رخ می‌دهد...“

مثال از داده‌ها (Example from Data)	تعداد تکرار Frequen- (cy Count)	تعریف / توضیح کد Code Definition / (Explanation)	نام کد (Code Name)
”ایران یک افتضاح تمام عیار است!“؛ ”ایران سال‌هاست که برای ما فقط مشکل ایجاد کرده است.“	۸	توصیف ایران با عباراتی که آن را به‌عنوان یک معضل یا وضعیت بسیار بد نشان می‌دهد.	ایران به‌عنوان یک ”مشکل“ یا ”افتضاح“
”در زمان دولت او با ما گرفته شد... و در دولت ترامپ بازگردانده شد. از ایران بابت یک مذاکره بسیار منصفانه متشکرم.“؛ ”خیلی عالی است که مایکل به خانه برگشته است... از ایران متشکرم.“	۷	برجسته کردن موفقیت‌های خود در سیاست مقابل ایران (مانند آزادی زندانیان).	نمایش دستاوردهای شخصی در قبال ایران
”... باب کورکر مسئول ارائه آن توافق وحشتناک هسته‌ای ایران بود... با این حال او از من انتقاد می‌کند...“؛ ”سناتور «گریان» چاک شومر به‌سختی با توافق بد ایران مخالفت کرد... حالا می‌گویند من نباید آن توافق را لغو می‌کردم“	۱۳	حمله به سیاستمداران یا مقامات آمریکایی که از سیاست‌های او در قبال ایران انتقاد می‌کنند یا در گذشته نقش داشته‌اند.	بی‌اعتبار کردن مقامات / سیاستمداران آمریکایی منتقد

فراوانی بالای کدهایی مانند انتقاد از توافق هسته‌ای (۵۸ بار) و تحقیر دولت او با ما/کری (۳۵ بار) نشان می‌دهد که بخش قابل توجهی از گفتمان قدرت ترامپ در قبال ایران، ماهیتی گذشته‌نگر و مقایسه‌ای دارد. او با بی‌اعتبار ساختن قدرت/دست‌آورد ادراک شده پیشینیان خود، تصویر قدرتمند خویش را بنا می‌کند. مشاهده می‌شود که خوشه‌های بزرگی از کدها حول محور ”توافق بد“، ”شکست او با ما“، ”بی‌کفایتی کری“ و ”۱۵۰ میلیارد دلار پول بادآورده“ شکل گرفته‌اند. این کدها صرفاً توافق را توصیف نمی‌کنند، بلکه فعالانه در جهت بی‌اعتبار ساختن آن و معمارانش عمل می‌کنند. با قاب‌بندی گذشته به عنوان شکست قدرت ایالات متحده (که ”در مذاکره شکست خورده“ و ”فریب خورده“ است)، ترامپ خلاء روایتی ایجاد می‌کند که سپس آن را با معرفی خود به عنوان احیاگر قدرت آمریکا و ”بهترین مذاکره‌کننده‌ی جهان“ پر می‌کند. این یک راهبرد قدرت است که به همان اندازه که مخاطب بین‌المللی دارد، مخاطب داخلی را نیز هدف قرار می‌دهد و با تقابل ”قدرت“ او با ”ضعف“ پیشینیان، پایگاه حمایتی او را تحکیم می‌بخشد. این در واقع بازنویسی روایت قدرت در روابط ایالات متحده و ایران است.

همچنین، زبان به کاررفته در کدهایی مانند تهدید مستقیم ایران اغلب از اغراق و اولتیماتوم ("پایان رسمی ایران") استفاده می‌کند. این جنبه اجرایی از قدرت بسیار مهم است؛ خود تهدید که به صورت عمومی اعلام می‌شود، یک کنش قدرت است، صرف نظر از پیگیری مادی فوری آن. توییت‌ها حاوی زبان بسیار تنیدی هستند: "پایان رسمی ایران"، "نابود خواهد شد". این یک اغراق عمدی است. این پیام‌ها که بر بستر عمومی مانند توییتر و باهدف انتشار گسترده ارائه می‌شوند، کنشی از سلطه‌گری هستند. هدف از این کار، نمایش تصویری از اراده تزلزل‌ناپذیر و توانایی فوق‌العاده است. این امر برای ارباب ایران و محدودکردن اقدامات آن و همچنین برای نشان دادن "سرسختی" به حامیان داخلی و نمایش هزینه‌های احتمالی سرپیچی به دشمنان، طراحی شده است. قدرت اجرایی در خود گفته و چرخش آن نهفته است.

مرحله سوم: جستجو و شناسایی مضامین

در مرحله سوم از تحلیل مضمون، تمرکز بر جستجو و شناسایی مضامین قرار گرفت. این فرآیند با بازبینی کدهای اولیه انجام شده آغاز شد. هدف، شناسایی الگوهای معنایی وسیع‌تری بود که بتوانند روابط قدرت را در توییت‌های ترامپ در مورد ایران را بهتر تبیین کنند. به این منظور، کدهای مرتبط و هم‌معنا گروه‌بندی شدند؛ برای مثال، کدهایی مانند تهدید، نمایش قدرت نظامی، و لحن قاطع، به‌عنوان زیرمجموعه‌های یک مضمون فراگیر درباره «نمایش قدرت» در نظر گرفته شدند. در این مرحله، ابزارهای بصری مانند نقشه‌های ذهنی و جداول نیز برای تحلیل ارتباطات بین کدها و تسهیل فرآیند گروه‌بندی مورد استفاده قرار گرفتند.

بر اساس این خوشه‌بندی‌ها، مضامین اولیه^۱ استخراج شدند؛ مضامینی که هر کدام نشان‌دهنده یکی از ابعاد مهم روابط قدرت در گفتمان ترامپ درباره ایران بودند. این مضامین صرفاً توصیفی نبودند، بلکه تلاش شد تحلیلی نیز باشند؛ یعنی بتوانند سازوکارهای عمیق‌تر را توضیح دهند. برای نمونه، کدهایی مانند انتقاد از برجام، تحقیر دولت اوباما و ادعای فربیکاری ایران در قالب مضمونی با عنوان «تخریب مشروعیت گذشته برای ساخت قدرت حال» ادغام شدند.

در مرحله بعد، این مضامین مورد پالایش و بازبینی قرار گرفتند. ارزیابی شد که آیا هر

10. candidate themes

مضمون، ماهیت کدهای درون خود را به خوبی بازتاب می‌دهد؟ آیا مضامین با هم تمایز کافی دارند؟ و آیا داده‌های کافی برای حمایت از هر مضمون وجود دارد یا نه؟ مضامینی که مبهم، تکراری یا ضعیف بودند، حذف یا با دیگر مضامین ادغام شدند. در این بازبینی، نام‌ها و تعاریف مضامین نیز مورد اصلاح قرار گرفت تا دقت، وضوح و ارتباط مستقیم آن‌ها با سؤال اصلی پژوهش، تضمین شود.

در نهایت، ساختار نهایی مضامین به طور کامل شکل گرفت. در این مرحله، نه تنها هر مضمون به تفصیل تعریف شد، بلکه ارتباطات بین مضامین نیز روشن گردید. این ارتباطات نشان می‌دهند که چگونه مجموعه‌ای از مفاهیم و مضامین فرعی در کنار هم گنتمان قدرت ترامپ را درباره ایران شکل داده‌اند. هر مضمون بر مبنای سهم آن در تبیین روابط قدرت و بر اساس منطق درونی داده‌ها انتخاب شده است.

بسیاری از مضامین، دیدگاهی مبادله‌ای و جمع صفر نسبت به قدرت را نشان می‌دهند. برای اینکه ایالات متحده (تحت رهبری ترامپ) قدرتمند باشد، ایران باید ضعیف یا بازنده به تصویر کشیده شود و دولت‌های پیشین ایالات متحده نیز به عنوان واگذارکننده قدرت معرفی شوند. در بررسی کدها و مضامین، تأکید مداوم بر "بردن" در مقابل "باختن"، و اینکه ایالات متحده از توافق "هیچ چیز" به دست نیاورده در حالی که ایران "میلیاردها" دلار گرفته است، مشاهده می‌شود. منطق زیربنایی این است که قدرت یک کالای محدود است؛ اگر یک طرف به دست آورد، طرف دیگر باید از دست بدهد. روایت ترامپ به طور مداوم اقدامات او را به عنوان بازپس‌گیری آنچه از دست‌رفته یا گرفته شده بود، قاب‌بندی می‌کند. به عنوان مثال، توییت "ایران با گرفتن ۱۰ ملوان آمریکایی، ایالات متحده را تحقیر کرد... ما ضعیف هستیم. من این را فراموش نخواهم کرد!"، به معنای از دست‌دادن حیثیت/قدرت در گذشته است که او قصد جبران آن را دارد. این رویکرد مبادله‌ای، مسائل پیچیده ژئوپلیتیکی را به رقابت‌های قدرت و ضعف ساده می‌کند که یکی از مشخصه‌های رهبری پوپولیستی است و با میل به "پیروزی‌های" واضح، طنین‌انداز می‌شود.

مضمون "شخصی‌سازی قدرت" (ترامپ به عنوان بازیگر اصلی و قاطع) بسیار قوی خواهد بود. سیاست خارجی و پویایی‌های قدرت اغلب به اراده شخصی، مهارت مذاکره، یا عزم او تقلیل داده می‌شوند. استفاده مکرر از ضمیر "من" هنگام بحث در مورد تصمیمات سیاسی یا

نتایج مربوط به ایران، مانند "من آن را خاتمه دادم"، "من به وزیر خزانه‌داری دستور دادم"، "من برنده خواهم شد"، این امر را تأیید می‌کند. در مقابل، تأکید کمتری بر فرآیندهای نهادی یا تصمیم‌گیری جمعی وجود دارد. این امر قدرت را در شخصیت رهبر متمرکز می‌کند و نشان می‌دهد که قدرت ایالات متحده در قبال ایران منوط به حضور و اقدامات او است. این یک ویژگی کلیدی از چگونگی اجرای قدرت توسط او در توییتر است که تصویری از یک رهبر قدرتمند که به تنهایی سیاست خارجی را هدایت می‌کند، ایجاد می‌کند.

جدول ۳. مضامین توسعه یافته (پایه و سازمان‌دهنده) از تحلیل توییت‌های ترامپ درباره ایران

نام مضمون (Theme) (Name)	نوع مضمون (Theme) (Type)	تعریف/توضیح مضمون (Theme Definition/Ex-) (planation)	کدهای پشتیبان (Supporting Codes)
۱. نمایش هژمونی آمریکا و تهدید مستقیم ایران	سازمان‌دهنده SO1	این مضمون تلاش‌های مداوم ترامپ برای به تصویر کشیدن ایالات متحده به عنوان قدرت مسلط جهانی با ظرفیت و اراده برای استفاده از نیروی قاطع علیه ایران در صورت به چالش کشیده شدن منافعش را در بر می‌گیرد. قدرت از طریق تهدیدهای صریح، اولتیماتوم‌ها و مباحثات به توان نظامی اعمال می‌شود.	تهدید مستقیم ایران، نمایش قدرت آمریکا، هشدار به ایران، استفاده از زبان قاطع و آمرانه، اشاره به کشتن مقامات ایرانی/دشمنان، تأکید بر عدم دستیابی ایران به سلاح هسته‌ای
۱-۱. اعمال قدرت نظامی و بازدارندگی	پایه BP1	تأکید بر توانایی‌ها و آمادگی نظامی ایالات متحده به عنوان ابزاری برای ارباب و بازداشتن ایران از اقدامات خصمانه.	نمایش قدرت آمریکا، اشاره به کشتن مقامات ایرانی/دشمنان
۱-۲. تهدید به نابودی و عواقب وخیم	پایه BP2	استفاده از زبان شدید و تهدیدآمیز برای هشدار به ایران در مورد پیامدهای ویرانگر در صورت عبور از خطوط قرمز آمریکا.	تهدید مستقیم ایران، هشدار به ایران

نام مضمون (Theme) (Name)	نوع مضمون (Theme) (Type)	تعریف/توضیح مضمون Theme Definition/Ex- (planation)	کدهای پشتیبان (Supporting Codes)
۲. تخریب گذشته برای ساختن قدرت حال: برجام و دولت اوپاما	سازمان دهنده SO2	این مضمون بر چگونگی ساخت قدرت توسط ترامپ از طریق بی اعتبار ساختن نظام مند برجام و نحوه مدیریت دولت اوپاما در قبال ایران تمرکز دارد. این شامل قالب بندی توافق به عنوان مضر برای منافع ایالات متحده و نشانه‌ای از ضعف گذشته آمریکا است، و در نتیجه، اقدامات خود را به عنوان احیای قدرت و قضاوت صحیح آمریکا معرفی می کند.	انتقاد از توافق هسته‌ای (برجام)، تحقیر دولت اوپاما/کری، ادعای فریبکاری ایران در توافق، لغو/پایان دادن به توافق به عنوان نمایش قدرت، مقایسه خود با دیگران (اوپاما، کری)
۱-۲. برجام به مثابه ضعف و فریب	پایه BP3	توصیف توافق هسته‌ای به عنوان یک توافق بد، یک طرفه و نتیجه ساده لوحی یا بی کفایتی مذاکره کنندگان آمریکایی و فریبکاری ایران.	انتقاد از توافق هسته‌ای (برجام)، ادعای فریبکاری ایران در توافق
۲-۲. دولت اوپاما: نماد بی کفایتی و مماشات	پایه BP4	تصورسازی دولت اوپاما و مقامات آن (به ویژه جان کری) به عنوان ضعیف، ناتوان در مذاکره، و مسئول دادن امتیازات بی مورد به ایران.	تحقیر دولت اوپاما/ کری، مقایسه خود با دیگران (اوپاما، کری)
۳. اعمال فشار حداکثری: تحریم‌ها و انزوای اقتصادی	سازمان دهنده SO3	این مضمون بر استفاده از تحریم‌های اقتصادی به عنوان ابزار اصلی قدرت برای تحت فشار قرار دادن ایران، فلج کردن اقتصاد آن و وادار کردن به تغییر سیاست‌ها تأکید دارد. تحریم‌ها به عنوان ابزاری موفق در کارزار "فشار حداکثری" ترامپ ارائه می شوند.	استفاده از تحریم‌ها به عنوان اهرم قدرت، بی ثباتی داخلی ایران (ناشی از تحریم)، دعوت ایران به مذاکره (مشروط بر پذیرش فشار)

نام مضمون (Theme) (Name)	نوع مضمون (Theme) (Type)	تعریف/توضیح مضمون (Theme Definition/Ex-) (planation)	کدهای پشتیبان (Supporting Codes)
۱-۳. تحریم‌ها به مثابه سلاح اقتصادی	پایه BP5	برجسته کردن نقش تحریم‌ها به عنوان یک ابزار قدرتمند و مؤثر برای دستیابی به اهداف سیاست خارجی آمریکا در قبال ایران.	استفاده از تحریم‌ها به عنوان اهرم قدرت
۲-۳. نمایش فروپاشی اقتصادی ایران	پایه BP6	تأکید بر تأثیرات مخرب تحریم‌ها بر اقتصاد ایران و ایجاد تصویری از یک کشور در آستانه فروپاشی به دلیل فشارهای آمریکا.	بی‌ثباتی داخلی ایران (ناشی از تحریم)
۴. مشروعیت‌زدایی از نظام ایران و حمایت از اپوزیسیون داخلی	سازمان‌دهنده SO4	این مضمون به تلاش‌های ترامپ برای تضعیف مشروعیت داخلی و بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران از طریق توصیف آن به عنوان رژیم فاسد، سرکوبگر و حامی تروریسم، و هم‌زمان ابراز همبستگی (مشروط) با مردم ایران و معترضان می‌پردازد.	مشروعیت‌زدایی از رهبری ایران، همبستگی با مردم ایران، تأکید بر حمایت ایران از تروریسم، نقض حقوق بشر توسط ایران، ایران به عنوان یک "مشکل" یا "اقتضاح"
۱-۴. ایران به مثابه تهدید و شرارت	پایه BP7	قاب‌بندی ایران به عنوان یک بازیکو بدخواه، منبع بی‌ثباتی در منطقه، و اصلی‌ترین حامی تروریسم جهانی.	مشروعیت‌زدایی از رهبری ایران، تأکید بر حمایت ایران از تروریسم، انتقاد از نفوذ منطقه‌ای ایران، مسئول دانستن ایران برای حملات
۲-۴. تفکیک مردم از حکومت و حمایت از تغییر	پایه BP8	ایجاد تمایز بین مردم ایران و حکومت آن، ابراز همدردی با مردم و حمایت از خواسته‌های آن‌ها برای تغییر، به عنوان راهی برای اعمال فشار بر رژیم.	همبستگی با مردم ایران، نقض حقوق بشر توسط ایران

نام مضمون (Theme) (Name)	نوع مضمون (Theme) (Type)	تعریف/توضیح مضمون Theme Definition/Ex- (planation)	کدهای پشتیبان (Supporting Codes)
۵. شخصی سازی قدرت و نمایش اقتدار فردی ترامپ	سازمان دهنده SO5	این مضمون بر چگونگی مرکزیت بخشیدن ترامپ به خود به عنوان تصمیم گیرنده نهایی و بازیگر اصلی در اعمال قدرت علیه ایران تأکید دارد. موفقیت‌ها به توانایی‌های فردی او نسبت داده شده و سیاست خارجی به اراده شخصی او گره می‌خورد.	شخصی سازی قدرت (ترامپ)، نمایش دستاوردهای شخصی در قبال ایران، مقایسه خود با دیگران، انتقاد از رسانه‌های جعلی (در مورد ایران)، بی اعتبار کردن مقامات/سیاست مداران آمریکایی منتقد
۱-۵. "من" در برابر "آنها": ترامپ به عنوان ناجی	پایه BP9	استفاده مکرر از اول شخص مفرد برای تأکید بر نقش محوری خود در تغییر سیاست‌ها، اتخاذ تصمیمات سخت و دستیابی به نتایج مطلوب در برابر ایران و منتقدان داخلی.	شخصی سازی قدرت (ترامپ)، نمایش دستاوردهای شخصی در قبال ایران
۲-۵. مقابله با منتقدان و رسانه‌های "جعلی"	پایه BP10	حمله به رسانه‌ها و شخصیت‌های سیاسی منتقد سیاست‌های او در قبال ایران، به عنوان راهی برای تحکیم روایت خود و بی اعتبار کردن دیدگاه‌های مخالف.	انتقاد از رسانه‌های جعلی (در مورد ایران)، بی اعتبار کردن مقامات/سیاست مداران آمریکایی منتقد

۵. یافته‌های پژوهش

مرحله چهارم: ترسیم شبکه مضامین

در این مرحله، یک بازبینی نهایی برای اطمینان از همخوانی کامل بین مضامین توسعه یافته (مندرج در جدول ۳) و مجموعه کدهای اولیه (مندرج در جدول ۲) انجام شد. هدف این بود که تمامی کدهای مرتبط با روابط قدرت به طور معناداری در یکی از مضامین پایه یا سازمان دهنده جای گرفته باشند و هیچ بخش مهمی از داده‌های کدگذاری شده بدون پوشش توسط مضامین باقی نمانده باشد. این بررسی نشان داد که مضامین توسعه یافته به خوبی داده‌های کدگذاری شده را نمایندگی می‌کنند و جوهره اصلی آن‌ها را در بر می‌گیرند.

پس از تأیید همخوانی، مضامین بر اساس روابط منطقی و سلسله‌مراتبی میان آن‌ها مرتب شدند. این فرآیند شامل تفکر در مورد اینکه کدام مضامین گسترده‌تر و فراگیرتر هستند (مضامین سازمان دهنده) و کدام یک جنبه‌های خاص‌تری از آن مضامین گسترده‌تر را پوشش می‌دهند (مضامین پایه) بود. این چیدمان اولیه، زمینه را برای انتخاب انواع مضامین و ترسیم شبکه نهایی فراهم کرد.

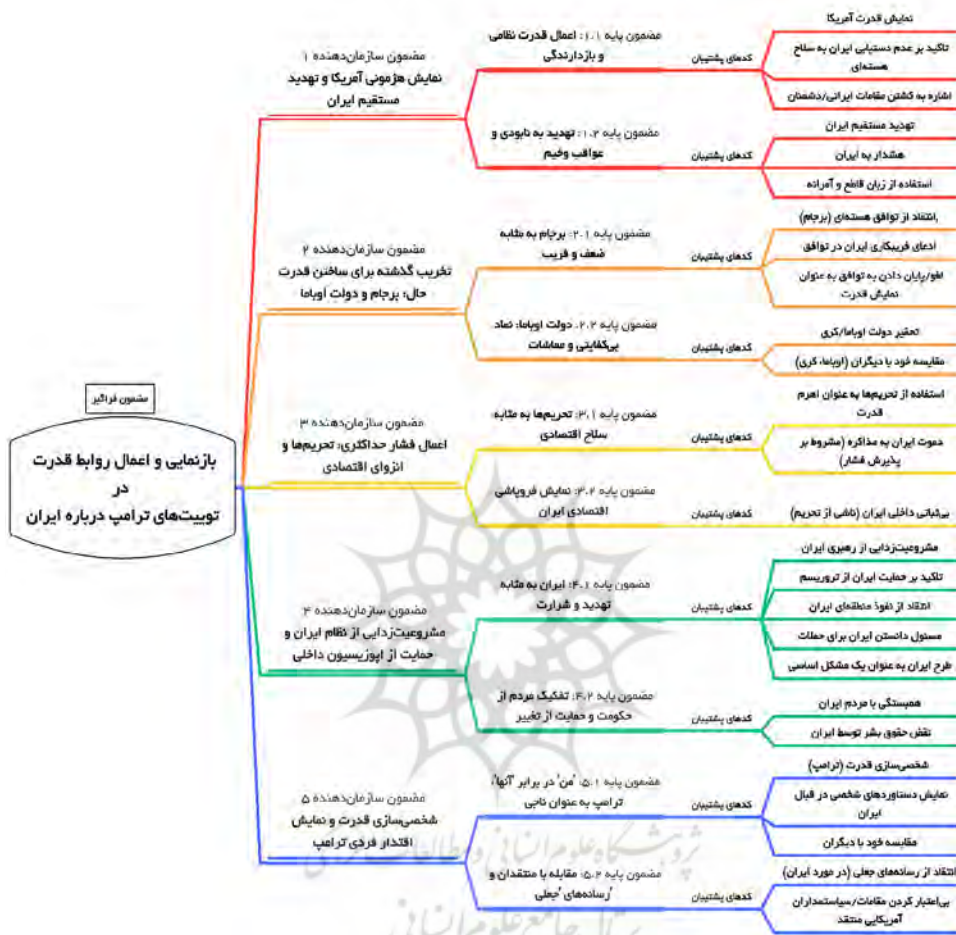
۵-۱. انتخاب مضامین پایه، مضامین سازمان دهنده و فراگیر

- مضمون فراگیر (Global Theme): با توجه به سؤال اصلی پژوهش، مضمون فراگیر این تحلیل "بازنمایی و اعمال روابط قدرت در توییت‌های ترامپ درباره ایران" انتخاب شد. این مضمون، چتر مفهومی اصلی است که تمامی تحلیل‌های بعدی حول آن سازمان می‌یابند.
- مضامین سازمان دهنده (Organizing Themes): پنج مضمون سازمان دهنده اصلی که در جدول ۳ معرفی شدند ("نمایش هژمونی آمریکا و تهدید مستقیم ایران"; "تخریب گذشته برای ساختن قدرت حال: برجام و دولت اواما"; "اعمال فشار حداکثری: تحریم‌ها و انزوای اقتصادی"; "مشروعیت‌زدایی از نظام ایران و حمایت از اپوزیسیون داخلی"; و "شخصی‌سازی قدرت و نمایش اقتدار فردی ترامپ") به عنوان ستون‌های اصلی شبکه مضامین عمل می‌کنند. هر یک از این مضامین، جنبه عمده‌ای از چگونگی ساخت و نمایش قدرت توسط ترامپ را در قبال ایران نشان می‌دهد.

• مضامین پایه (Basic Themes): مضامین پایه‌ای که ذیل هر مضمون سازمان‌دهنده در جدول ۳ فهرست شده‌اند، اجزای سازنده و مشخص‌تری هستند که جزئیات و ابعاد مختلف مضامین سازمان‌دهنده را روشن می‌کنند. این مضامین به طور مستقیم‌تری از کدهای اولیه مشتق شده‌اند. شبکه مضامین نشان داد که "اعمال سلطه آمریکا" یک مضمون سازمان‌دهنده مرکزی است که توسط مضامین پایه‌ای مرتبط با تهدیدات نظامی، تحریم‌های اقتصادی و رجزخوانی شخصی پشتیبانی می‌شود، درحالی‌که "مشروعیت‌زدایی از دیگران" (ایران، اوپاما، توافق برجام) مضمون سازمان‌دهنده کلیدی دیگری است که به تقویت مضمون اول کمک می‌کند. با بررسی مضامین، مشاهده می‌شود که مضامین مرتبط با تهدیدها، تحریم‌ها، قدرت نظامی و تمجید از خود برجسته هستند. همچنین مضامین مربوط به انتقاد از رژیم ایران، برجام و اوپاما نیز قوی خواهند بود. این انتقاد از دیگران صرفاً انتقاد نیست؛ بلکه برای بالابردن قدرت و صحت درک شده خود ترامپ عمل می‌کند. اگر توافق "وحشتناک" و اوپاما "ضعیف" بود، پس ترامپ با خروج از آن و اعمال تحریم‌ها، "قوی" و "قاطع" به نظر می‌رسد. این امر ساختاری را نشان می‌دهد که در آن مضمون فراگیر "روابط قدرت" به این دو مضمون سازمان‌دهنده اصلی منشعب می‌شود که خود به هم مرتبط و تقویت‌کننده یکدیگر هستند. به‌عنوان مثال، "مشروعیت‌زدایی از برجام" (مضمون سازمان‌دهنده) مستقیماً "اعمال سلطه آمریکا از طریق سیاست‌های جدید" (مضمون سازمان‌دهنده دیگر) را امکان‌پذیر و توجیه می‌کند. نقشه بصری نشان خواهد داد که چگونه این جنبه‌های مختلف گفتمان قدرت به هم مرتبط هستند و به روایت کلی اعمال قدرت کمک می‌کنند.

۲-۵. ترسیم نقشه‌های مضامین

برای نمایش بصری ساختار تحلیل و ارتباطات درونی میان مضامین استخراج‌شده، یک نقشه یا شبکه مضامین طراحی شد. این نقشه به‌صورت نمودار درختی سلسله‌مراتبی تنظیم گردید که در آن، مضمون فراگیر در بالاترین سطح قرار دارد و مضامین سازمان‌دهنده، مضامین پایه و کدهای پشتیبان به ترتیب در سطوح پایین‌تر جای گرفته‌اند. هدف از این نمایش، تسهیل درک روابط مفهومی میان اجزای تحلیل و ساخت تصویری روشن از نحوه تجلی روابط قدرت در توییت‌های ترامپ درباره ایران بود. نتیجه این فرآیند، دستیابی به نسخه نهایی و قابل‌اتکای نقشه مضامین بود که در شکل ذیل آمده است:



شکل ۲. ترسیم شبکه مضامین بازنمایی اعمال روابط قدرت در توییت های ترامپ درباره ایران

مرحله پنجم: تحلیل شبکه مضامین

پس از مراحل پالایش و بازمی‌نویسی، نام‌ها و تعاریف نهایی برای مضمون فراگیر، مضامین سازمان‌دهنده و مضامین پایه، همان‌گونه که در جدول ۳ ارائه شد، تثبیت گردید. این مضامین چارچوب اصلی تحلیل شبکه را تشکیل می‌دهند.

در مجموع، ۲۷ کد پایه از توییت‌ها استخراج شد که تعداد کل تکرار آن‌ها به ۶۷۸ مورد می‌رسد. این کدها در قالب ۵ مضمون سازمان‌دهنده و ۱۰ مضمون پایه سازمان‌دهی شدند که همگی ذیل یک مضمون فراگیر قرار دارند.

• مضمون فراگیر:

بازنمایی و اعمال روابط قدرت در توییت‌های ترامپ درباره ایران

مضامین سازمان‌دهنده (۵ مورد):

- نمایش هژمونی آمریکا و تهدید مستقیم ایران (۶ کد، مجموع تکرار: ۱۶۲ بار)
- تخریب گذشته برای ساختن قدرت حال: برجام و دولت او با ما (۵ کد، مجموع تکرار: ۱۴۴ بار)
- اعمال فشار حداکثری: تحریم‌ها و انزوای اقتصادی (۳ کد، مجموع تکرار: ۷۱ بار)
- مشروعیت‌زدایی از نظام ایران و حمایت از اپوزیسیون داخلی (۵ کد، مجموع تکرار: ۱۰۳ بار)
- شخصی‌سازی قدرت و نمایش اقتدار فردی ترامپ (۸ کد، مجموع تکرار: ۱۹۸ بار)

الف) توصیف و توضیح کامل شبکه مضامین

شبکه مضامین استخراج‌شده از توییت‌های دونالد ترامپ درباره ایران، تصویری چندوجهی از چگونگی بازنمایی و اعمال قدرت در گفتمان دیجیتال او ارائه می‌دهد. مضمون فراگیر، "بازنمایی و اعمال روابط قدرت"، از طریق پنج مضمون سازمان‌دهنده اصلی و مضامین پایه مرتبط با آن‌ها، عینیت می‌یابد. این شبکه، نه تنها محتوای پیام‌ها، بلکه راهبردهای گفتمانی ترامپ برای برساختن خود به‌عنوان یک رهبر قدرتمند و ایران به‌عنوان یک دیگری ضعیف را آشکار می‌سازد.

مضمون سازمان‌دهنده ۱: نمایش هژمونی آمریکا و تهدید مستقیم ایران، یکی از پررنگ‌ترین جنبه‌های گفتمان ترامپ است. این مضمون از طریق تاکید بر اعمال قدرت نظامی و بازدارندگی (مانند "ارتش ما بازسازی شده، نو، و آماده است - بهترین ارتش جهان است.") و تهدید به نابودی و عواقب وخیم (مانند "اگر ایران بخواهد وارد جنگ شود، این پایان رسمی ایران خواهد

بود.“) خود را نشان می‌دهد. این اظهارات، قدرت را به شکلی عریان و از موضع برتر به نمایش می‌گذارند و هدفشان ارباب ایران و نمایش قاطعیت به مخاطبان داخلی و بین‌المللی است. تکرار اینکه “ایران هرگز نباید به سلاح هسته‌ای دست یابد” نیز در همین راستا قابل تفسیر است.

مضمون سازمان‌دهنده ۲: تخریب گذشته برای ساختن قدرت حال: برجام و دولت اواما، نشان می‌دهد که بخش مهمی از راهبرد قدرت ترامپ، مبتنی بر نفی و بی‌اعتبار کردن اقدامات پیشینیان است. با قاب‌بندی برجام به مثابه ضعف و فریب (مانند “توافق با ایران به‌عنوان یکی از ناکارآمدترین توافقات تاریخ ثبت خواهد شد.”) و تصویرسازی از دولت اواما به عنوان نماد بی‌کفایتی و مماشات (مانند “قضایات فاجعه‌بار اواما ما را به داعش، رشد ایران... رساندا“)، ترامپ اقدامات خود (مانند خروج از برجام) را به عنوان بازگشت به موضع قدرت و اصلاح اشتباهات گذشته توجیه می‌کند. این یک بازی قدرت گذشته‌نگر است که در آن، قدرت حال با تحقیر قدرت گذشته ساخته می‌شود.

مضمون سازمان‌دهنده ۳: اعمال فشار حداکثری: تحریم‌ها و انزوای اقتصادی، بر یکی از ابزارهای اصلی ترامپ برای اعمال قدرت بر ایران، یعنی استفاده از تحریم‌ها به مثابه سلاح اقتصادی، تمرکز دارد. اظهاراتی چون “من به وزیر خزانه‌داری دستور دادم تحریم‌ها علیه ایران را به‌طور قابل‌توجهی افزایش دهد!” و تأکید بر نمایش فروپاشی اقتصادی ایران (مانند “اقتصادشان همچنان در حال فروپاشی است — واقعاً تأسف بار برای مردم ایران!”) نشان‌دهنده این راهبرد است. قدرت در اینجا از طریق توانایی در ایجاد رنج اقتصادی و وادار کردن طرف مقابل به تسلیم یا مذاکره از موضع ضعف، اعمال می‌شود.

مضمون سازمان‌دهنده ۴: مشروعیت‌زدایی از نظام ایران و حمایت از اپوزیسیون داخلی، بعد دیگری از اعمال قدرت را نشان می‌دهد که هدف آن تضعیف پایه‌های داخلی و بین‌المللی حکومت ایران است. این امر از طریق قاب‌بندی ایران به مثابه تهدید و شرارت (مانند “رهبری آن‌ها تمام پول خود را صرف ترور می‌کند...” و “رژیم ایران تنها #۴۰ سال شکست به‌بار آورده است.”) و همزمان، تفکیک مردم از حکومت و حمایت از تغییر (مانند “خطاب به مردم شجاع و رنج‌دیده ایران: من از ابتدای ریاست‌جمهوری‌ام در کنار شما بوده‌ام...” (صورت می‌گیرد. این راهبرد، تلاشی برای اعمال قدرت از طریق ایجاد شکاف و بی‌ثباتی

داخلی در کشور هدف است.

مضمون سازمان دهنده ۵: شخصی سازی قدرت و نمایش اقتدار فردی ترامپ، بر نقش محوری "من" ترامپ در تمامی این پویایی ها تاکید دارد. او خود را به عنوان تصمیم گیرنده اصلی و "من" در برابر "آنها": ترامپ به عنوان ناجی معرفی می کند (مانند "ایران در حال بازی با آتش است- آن ها قدر (مهربانی) رئیس جمهور او اما را نمی دانند. اما من نه!". همچنین، مقابله با منتقدان و رسانه های "جعلی" (مانند "رسانه های جعلی با پوشش دروغین و به شدت نادرست از ایران به کشور ما آسیب می زنند.") بخشی از این شخصی سازی قدرت است که در آن، هرگونه انتقاد به سیاست های او، به عنوان حمله ای به اقتدار شخصی او و تلاشی برای تضعیف روایت قدرتمندش تلقی می شود.

تحلیل کلی شبکه مضامین، یک قاب بندی به شدت خصمانه و مبتنی بر حاصل جمع صفر از قدرت را آشکار می سازد. ارتباطات بین مضامین نشان می دهد که چگونه راهبردهای گفتمانی مختلف (تهدید، تحریم، مشروعیت زدایی از مخالفان، تمجید از خود، توسل به مردم ایران) همگی در جهت نمایش تصویری از ترامپ به عنوان یک رهبر منحصرأ قدرتمند که در حال احیای سلطه آمریکا در مواجهه با ایران بدخواه و بی کفایتی گذشته ایالات متحده است، همگرا می شوند. ساختار کلی شبکه نشان می دهد که بیشتر مضامین یا به (الف) ارتقای قدرت آمریکا/ترامپ یا (ب) کاهش قدرت ایران/مخالفان کمک می کنند. به عنوان مثال، مضمون "تحریم ها به مثابه قدرت" به "اقتصاد در حال فروپاشی ایران" متصل می شود که به نوبه خود "کارزار فشار موفقیت آمیز ترامپ" را تقویت می کند. این پیوندها روایتی از علت و معلولی را ایجاد می کنند که به نفع تصویر ترامپ است. شبکه در کل، داستانی از قدرتی را روایت می کند که از طریق رویارویی، تحقیر و خودبزرگ بینی و نه از طریق همکاری یا رهبری مشترک، اعمال می شود.

مرحله ششم: تدوین گزارش نهایی

الف) تلخیص شبکه مضامین و بیان مختصر و صریح مضامین

تحلیل مضمون توییت های دونالد ترامپ درباره ایران، شبکه ای پیچیده از روابط قدرت را آشکار ساخت که حول مضمون فراگیر "بازنمایی و اعمال روابط قدرت" سازمان یافته است.

پنج مضمون سازمان‌دهنده کلیدی در این شبکه عبارت‌اند از: (۱) نمایش هژمونی آمریکا و تهدید مستقیم ایران که بر اعمال قدرت از طریق نمایش توان نظامی و تهدیدهای صریح تمرکز دارد؛ (۲) تخریب گذشته برای ساختن قدرت حال: برجام و دولت اوباما که نشان می‌دهد چگونه ترامپ با بی‌اعتبار کردن پیشینیان، قدرت خود را بر ساخته است؛ (۳) اعمال فشار حداکثری: تحریم‌ها و انزوای اقتصادی که بر استفاده از ابزارهای اقتصادی برای وادار کردن ایران به تغییر رفتار تأکید دارد؛ (۴) مشروعیت‌زدایی از نظام ایران و حمایت از اپوزیسیون داخلی که هدف آن تضعیف حکومت ایران از درون و در عرصه بین‌المللی است؛ و (۵) شخصی‌سازی قدرت و نمایش اقتدار فردی ترامپ که نقش محوری "من" ترامپ را در تمامی این پویایی‌ها برجسته می‌کند. این مضامین، در کنار مضامین پایه مرتبط با آن‌ها، چارچوبی برای درک چگونگی استفاده ترامپ از توییت به‌عنوان ابزاری برای اعمال و نمایش قدرت در عرصه سیاست خارجی فراهم می‌کنند.

ب) استخراج نمونه‌های جالب و مورد توجه از داده‌ها

در میان انبوه توییت‌های تحلیل‌شده، برخی نمونه‌ها به‌طور خاص گویای پویایی‌های قدرت مورد بحث هستند. به‌عنوان مثال، توییت "ایران اشتباه بسیار بزرگی مرتکب شد"، فراتر از یک گزاره خبری ساده، یک کنش گفتاری "است که حامل قضاوت، هشدار نسبت به عواقب قریب‌الوقوع، و نمایش قدرت برای تعریف وضعیت و تعیین متخلف است. این توییت کوتاه، چکیده‌ای از راهبرد تهدید و نمایش اقتدار است.

نمونه دیگر، توییت "منتظر نمانید تا پس از انتخابات آمریکا توافق بزرگی انجام دهید. من برنده خواهم شد. حالا توافق بهتری خواهید گرفت" است. این پیام، شخصی‌سازی قدرت را به اوج می‌رساند و سرنوشت یک توافق بین‌المللی را مستقیماً به پیروزی انتخاباتی خود گره می‌زند. همچنین، با القای اینکه ایران باید از موضع ضعف و باعجله مذاکره کند، قدرت چانه‌زنی ایالات متحده (و شخص ترامپ) را به رخ می‌کشد.

توییت "رهبری آن‌ها تمام پول خود را صرف ترور می‌کند و بودجه‌ی اندکی را به سایر امور اختصاص می‌دهد... مردم فوق‌العاده ایران در حال رنج کشیدن هستند، آن هم بی‌هیچ دلیلی"، نمونه بارزی از راهبرد تفکیک مردم از حکومت و مشروعیت‌زدایی از رهبران ایران است. این

11. performative utterance

پیام، ضمن ابراز همدردی ظاهری با مردم، مسئولیت رنج آن‌ها را متوجه رهبران‌شان می‌کند و به طور ضمنی، ایالات متحده را به‌عنوان حامی بالقوه مردم در برابر یک حکومت "فاسد" معرفی می‌نماید که خود نوعی اعمال قدرت نرم است.

این نمونه‌ها و موارد مشابه متعدد در مجموعه داده‌ها، نشان می‌دهند که چگونه زبان، حتی در قالب پیام‌های کوتاه توییت‌ری، می‌تواند به ابزاری قدرتمند برای ساخت واقعیت، تعریف روابط و اعمال نفوذ در عرصه بین‌المللی تبدیل شود.

۶. نتیجه‌گیری و پیشنهادها

نتایج تحلیل مضمون به طور مستقیم به سؤال اصلی پژوهش، یعنی "روابط قدرت چگونه در پیام‌های رسانه اجتماعی دونالد ترامپ درباره ایران بازنمایی و اعمال می‌شود؟" پاسخ می‌دهد. یافته‌ها نشان داد که ترامپ از مجموعه‌ای از راهبردهای گفتمانی برای بازنمایی و اعمال قدرت استفاده می‌کند که شامل نمایش هژمونی آمریکا، تهدید مستقیم، بی‌اعتبار کردن توافقات و دولت‌های پیشین، اعمال فشار اقتصادی از طریق تحریم‌ها، مشروعیت‌زدایی از نظام ایران، و شخصی‌سازی شدید قدرت است.

در پاسخ به سؤالات فرعی:

- ترامپ از راهبردهایی چون تهدید به اقدام نظامی ("پایان رسمی ایران")، اعمال تحریم‌های شدید ("سخت‌ترین تحریم‌ها")، و استفاده از زبان قاطع و آمرانه برای اعمال قدرت ایالات متحده بر ایران استفاده می‌کند.
- او ایران را اغلب به‌عنوان یک رژیم "فاسد"، "تروریست"، "دروغگو" و اقتصادی "در حال فروپاشی" می‌سازد تا قدرت آن را تضعیف و اقدامات خود را توجیه کند.
- دولت‌های پیشین و برج‌ام به‌عنوان نماد "ضعف"، "فریب‌خوردگی" و "دادن پول به تروریست‌ها" قاب‌بندی می‌شوند تا در تقابل با آن، قدرت و قاطعیت ترامپ برجسته شود.
- تهدیدها و تحریم‌ها نقش محوری در نمایش قدرت قهری دارند، درحالی‌که مذاکرات اغلب به‌صورت مشروط و از موضع برتر مطرح می‌شوند ("ایران زمانی تماس خواهد گرفت که و اگر واقعاً آماده باشد").

• ترامپ خود را به‌عنوان یک مذاکره‌کننده برتر، تصمیم‌گیرنده نهایی و فردی که "ایران را می‌شناسد" و اجازه نمی‌دهد آمریکا "فریب بخورد"، معرفی می‌کند.

این یافته‌ها با مفاهیم نظری مطرح شده در مقدمه همخوانی دارند. از منظر فوکوی، توییت‌های ترامپ نمونه‌ای از چگونگی عملکرد گفتمان در تولید و تثبیت روابط قدرت هستند. زبان به‌کاررفته، نه‌تنها واقعیت را توصیف نمی‌کند، بلکه آن را می‌سازد و به نفع یک طرف (ایالات متحده تحت رهبری ترامپ) بازتعریف می‌کند. مفاهیمی چون "دشمن‌سازی"، "مشروعیت‌زدایی" و "خود - بزرگ‌نمایی" که در گفتمان ترامپ مشهود است، همگی راهبردهایی برای اعمال قدرت نمادین هستند.

یافته‌ها همچنین با نظریات ارتباطات پوپولیستی همسو هستند. ترامپ با استفاده از زبان ساده و مستقیم، ایجاد دوقطبی "ما" (آمریکای قدرتمند و مردم خوب ایران) در برابر "آنها" (رژیم ایران، دولت اواما، رسانه‌های جعلی)، و معرفی خود به‌عنوان رهبری قوی که منافع "مردم" را نمایندگی می‌کند، الگوی ارتباطات پوپولیستی را بازتولید می‌کند. در این چارچوب، اعمال قدرت نه‌تنها از طریق ابزارهای دولتی، بلکه از طریق برند شخصی رهبر به‌عنوان یک شخصیت "ضد سیستم" و "حقیقت‌گو" صورت می‌گیرد. قدرت پوپولیستی اغلب بر ایجاد پویایی "ما در برابر آنها" و قراردادن رهبر به‌عنوان تنها نماینده معتبر "ما" تکیه دارد. گفتمان ترامپ در مورد ایران با این الگو مطابقت دارد، به‌طوری‌که ایران و مخالفان سیاسی داخلی او اغلب به‌عنوان "آنها" معرفی می‌شوند.

۷. جمع‌بندی

تحلیل مضمون توییت‌های دونالد ترامپ درباره ایران نشان داد که گفتمان او در این زمینه، به‌شدت بر محور نمایش و اعمال قدرت یک‌جانبه ایالات متحده و شخص خودش استوار است. روابط قدرت از طریق راهبردهای گفتمانی متنوعی ساخته و بازنمایی می‌شود که مهم‌ترین آنها عبارت‌اند از: تهدید و ارباب‌نظامی، فشار اقتصادی از طریق تحریم‌های فلج‌کننده، بی‌اعتبار ساختن توافقات و دولت‌های پیشین آمریکا، مشروعیت‌زدایی از نظام حاکم بر ایران، و شخصی‌سازی افراطی سیاست خارجی. این گفتمان، تصویری از یک جهان دوقطبی و مبتنی بر حاصل جمع صفر را ارائه می‌دهد که در آن، قدرت یک طرف مستلزم ضعف طرف دیگر است. ترامپ با استفاده از توییت‌ها به‌عنوان یک ابزار دیپلماسی عمومی و هم‌زمان اعمال فشار،

تلاش کرد تا روایت خود از روابط آمریکا و ایران را به‌عنوان روایت مسلط تثبیت کند. این تحلیل نشان می‌دهد که چگونه رسانه‌های اجتماعی می‌توانند به عرصه‌ای برای نمایش‌های پیچیده و گاه متناقض قدرت در سطح رهبران جهانی تبدیل شوند.

۸. محدودیت‌های پژوهش

این پژوهش دارای محدودیت‌هایی نیز است. اولاً، تحلیل صرفاً بر روی توییت‌های شخص دونالد ترامپ متمرکز بوده و واکنش‌های طرف ایرانی یا پوشش رسانه‌ای گسترده‌تر این توییت‌ها را در بر نمی‌گیرد. ثانیاً، تحلیل ماهیت کیفی داشته و اگرچه فراوانی کدها و مضامین مورد توجه قرار گرفته است، اما هدف تعمیم آماری نتایج نبوده است. ثالثاً، دسترسی به زمینه کامل هر توییت (مانند اینکه در پاسخ به چه رویدادی بوده یا چه بحث‌هایی را برانگیخته) به‌تنهایی ممکن است کامل نباشد.

برای توسعه این حوزه پژوهشی، پیشنهاد می‌شود:

- تحلیل‌های مقایسه‌ای بین گفتمان ترامپ و سایر رهبران جهانی در مورد ایران یا موضوعات مشابه انجام شود.
- به تحلیل دریافت و تفسیر این توییت‌ها توسط مخاطبان مختلف (در آمریکا، ایران و سایر کشورها) پرداخته شود.
- مطالعات طولی برای بررسی چگونگی تغییر گفتمان قدرت در طول زمان و در واکنش به تحولات سیاسی انجام گیرد.
- نقش سایر پلتفرم‌های رسانه اجتماعی و همچنین رسانه‌های سنتی در تکمیل یا به چالش کشیدن روایت‌های قدرت ارائه شده در توییت بررسی شود.
- تحلیل گفتمان انتقادی با تمرکز بر ایدئولوژی‌های پنهان و پیامدهای اجتماعی - سیاسی این نوع گفتمان قدرت انجام شود.

تعارض منافع

هیچ گونه تعارض منافع توسط نویسندگان بیان نشده است.

References

- Kalantari Khandani, E., Farokhi, M. H., & Ghoncheper, M. (2020). Analytic speech act of critical tweets of Trump based on van der Waak model. *Zaban-e Pajuhi (Language of Research)*, 156–131, (34)12. <https://doi.org/10.22051/jlr.2019.20256.1545>
- Saeidzadeh, S., Goudarzi, M., & Taghipour, F. (2021). Thematic analysis of Trump's tweets on JCPOA to present a model of Trump's Twitter diplomacy. *Research in International Relations*, 239–213, (4)11. <https://doi.org/10.22034/irr.2022.331941.2149>
- Ghorbani Sheikh Neshin, A., Mansouri, S. Ali, Karimi, Gholamraza, & Fallah, Mehrdad. (2021). Teodiplomacy; the role of Twitter in advancing media diplomacy of Trump. *Strategic Studies of Political Policy*, 73–44, (38)10. <https://doi.org/10.22054/qps.2021.51360.2502>
- Braun, V., & Clarke, V. (2006). Using thematic analysis in psychology. *Qualitative Research in Psychology*, 3(2), 77–101. <https://doi.org/10.1191/1478088706qp063oa>
- de Vreese, C. H., Esser, F., Aalberg, T., Reinemann, C., & Stanyer, J. (2018). Populism as an expression of political communication content and style: A new perspective. *International Journal of Press/Politics*, 23(4), 423–438. <https://doi.org/10.1177/1940161218790035>
- Dersan Orhan, D. (2022). Making Foreign Policy Through Twitter: An Analysis of Trump's Tweets on Iran. In E. Esiyok (Ed.), *Handbook of Research on New Media Applications in Public Relations and Advertising*. (pp. 364–350). IGI Global. doi:10.4018/978-1-7998-3201-0.ch022
- Foucault, M. (1977). *Discipline and punish: The birth of the prison* (A. Sheridan, Trans.). Pantheon Books.
- Foucault, M. (1998). *The History of Sexuality: The Will to Knowledge*. Penguin.
- Ghorbani Sheikhekshin, A., Monavari, A., Karimi, G. and Falah, M. (2021). Twiplo-

- macy in the Trump Presidency: The Changes of the Diplomatic Process. *Political Strategic Studies*, 10(38), 44-73. doi: 10.22054/qpps.2021.51360.2502. [InPersian]
- Grewal, D. S. (2009). *Network power: The social dynamics of globalization*. Yale University Press.
- Kalantari Khandani, E. , Farrokhi, M. H. and Ghonchepour, M. (2020). A Critical Discourse Analysis of Trump's tweets based on Van Dijk Model. *ZABAN-PAZHUHI (Journal of Language Research)*, 12(34), 131-156. doi: 10.22051/jlr.2019.20256.1545. [InPersian]
- Makki, M., & Ross, A. S. (2021). "We were cocked & loaded to retaliate" An appraisal-based study of dichotomies in Trump's tweets about Iran. *Journal of Language Aggression and Conflict*, 11(1), 1-24. doi: https://doi.org/10.1075/jlac.00069.mak
- Makki, M., & Zappavigna, M. (2021). Out-grouping and ambient affiliation in Donald Trump's tweets about Iran: Exploring the role of negative evaluation in enacting solidarity. *Pragmatics*, 32(1), 104-130. doi: https://doi.org/10.1075/prag.20048.mak
- saeidzadeh, S. , godarzi, M. and taghipour, F. (2022). Content analysis of Trump tweets about Burjam in order to provide a model of Trump's Twitter diplomacy. *International Relations Researches*, 11(4), 213-239. doi: 10.22034/irr.2022.331941.2149.[InPersian]
- Şahin, O., Johnson, R., & Korkut, U. (2021). Policy-making by tweets: discursive governance, populism, and Trump Presidency. *Contemporary Politics*, 27(5), 591-610. https://doi.org/10.1080/13569775.2021.1935009
- Sconfianza, U., Durand, F. Discourse Network Analysis of Twitter and Newspapers: Lessons Learned from the Nuclear Debate in the 2022 French Presidential Campaign. *Fr Polit* 21, 195-221 (2023). https://doi.org/10.1057/s41253-023-00215-2

- Šimunjak, M., & Caliandro, A. (2019). Twiplomacy in the age of Donald Trump: Is the diplomatic code changing? *The Information Society*, 35(1), 13–25. <https://doi.org/10.1080/01972243.2018.1542646>
- The Washington Institute for Near East Policy. (2025, May 30). Iran's Foreign Minister Knows How to Speak Trump's Language—Literally. <https://www.washingtoninstitute.org/policy-analysis/irans-foreign-minister-knows-how-speak-trumps-language-literally>
- Twitter diplomacy2025). , May 25). In Wikipedia. https://en.wikipedia.org/wiki/Twitter_diplomacy
- Varis, P. (2020). TRUMP TWEETS THE TRUTH: METRIC POPULISM AND MEDIA CONSPIRACY. Tilburg University. https://pure.uvt.nl/ws/portalfiles/portal/38485385/Varis_2020Trump_tweets_the_truth.pdf
- Varis, P. (2024). Metric populism revisited: New evidence from Twitter data. Cambridge University Press.
- Yoon, E.-S. & Moore, S. (2024). How Can Academics Engage as Public Intellectuals on Social Media Platforms? A Foucauldian Discourse Analysis of Social Media Guidelines. *Journal of Contemporary Issues in Education*, 19(1), 1–17.
- Zheni, T. (2020). Speech Acts and Hegemony in Discourse: Donald Trump's Tweets on the US-Iranian Nuclear Crisis. *International Journal of Language and Literary Studies*, 2(4), 215–235. <https://doi.org/10.36892/ijlls.v2i4.476>
- Sen, A. K. (2018, July 23). Trump's angry Iran tweet. Atlantic Council (Iran-Source). <https://www.atlanticcouncil.org/blogs/iransource/trump-s-angry-iran-tweet-2/>